

شرح دعای سلامتے

امام زمان علیہ السلام



محسن قرائتے

بہ کوشش حسن سلم آبادی

عنوان و نام پدیدآور	عنوان قراردادی
شرح دعای سلامتی امام زمان (عج) / محسن قرائتی؛ به کوشش حسن سلم آبادی [برای] بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی مهدویت.	شرح دعای سلامتی امام زمان (عج)، فارسی، شرح
مشخصات نشر	قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۱۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰۰-۱۸-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۱۰۷] - ۱۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	دعای سلامتی امام زمان (عج) -- نقد و تفسیر
شناسه افزوده	قراآتی، محسن، ۱۳۲۴ - توشیحگر
شناسه افزوده	سلم آبادی، حسن، ۱۳۶۳ - کردآورنده
شناسه افزوده	بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
شناسه افزوده	بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت
رده بندی کنگره	۲۷۰ BP ۲۷۰ ۱۳۹۲ ق ۴۲۲ س ۸۰ /
رده بندی دیویی	۷۷۴ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۳۴۱۶۵۹۷



شرح دعای سلامتی

- مؤلف: محسن قرائتی
- به کوشش: حسن سلم آبادی
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود 
- نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۳
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰۰-۱۸-۷
- شمارگان: دو هزار نسخه
- قیمت: ۳۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود  / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / همرا: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ /
تلفن: ۳۷۷۴۹۶۵۰ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳
○ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود  / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

- www.mahdi۳۱۳.com
- www.mahdaviat.ir
- info@mahdaviat.ir
- Entesharatbonyad@chmail.ir

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فزادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، زینب احمدیان (ویزاستار)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد)، سید مجتبی میرزوی (صفحه آرا) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود 

حسین احمدی

کد فایل: ۰۹۲۰۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على

سيدنا محمد وآله اجمعين

الهي انطقني بالهدى والهمني التقوى

دُعَايِ سَلَامَتِي لَامَ زَمَانِ

بِاللَّهِ الْحَمْدُ

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ،

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اَبَائِهِ،

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ،

وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا،

وَدَلِيْلًا وَعَيْنًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا،

وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيْلًا.

«فهرست مطالب»

۷	مقدمه
۹	چرا دعا؟!
۱۶	چرا باید برای امام زمان علیه السلام دعا کرد؟!
۲۵	بررسی سند دعای سلامتی
۳۰	بررسی مقدمه دعا
۳۷	بررسی متون دعا
۴۰	شرح عبارات دعا
۴۰	اللهم
۴۴	کُنْ
۴۷	لولیتک
۴۸	الحجة بن الحسن علیه السلام
۵۱	صلواتک علیه و علی آبائه
۵۷	فی هذه الساعة و فی کلّ الساعة

.....	وَلِيًّا	۵۹
.....	و حافظاً	۶۱
.....	و قائداً	۷۲
.....	و ناصراً	۷۳
.....	و دليلاً	۸۰
.....	و عیناً	۸۱
.....	حتی تسکنه ارضک طوعاً	۸۲
.....	و تمتعه فیها طویلاً	۸۷
.....	فوائد قرائت دعای سلامتی	۹۳
.....	شرایط استجابت دعا	۱۰۴
.....	فهرست منابع	۱۰۷

مقدمه

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «همانا من در هر شبانه‌روز، هزار مرتبه برای پیروان گناه‌کارم دعا می‌کنم».^۱ از آن جایی که اهل بیت علیهم السلام نور واحد هستند، می‌توانیم بگوییم که امام مهدی علیه السلام هم روزی هزار مرتبه برای ما دعا می‌کند؛ لذا شایسته است که ما هم در شبانه‌روز به یاد او باشیم و در نماز و قبل و بعد آن برای حضرتش دعا کنیم.

یکی از دعاهایی که شما با آن آشنا هستید، «دعای سلامتی» حضرت مهدی علیه السلام است که به اشتباه، به «دعای فرج» معروف شده است.^۲ ما در این دعا از خداوند می‌خواهیم که امام زمان علیه السلام را تحت حمایت کامل خود بگیرد و او را تا رسیدن به هدف نهایی‌اش، یعنی استقرار عدل در سراسر زمین، از هر جهت یاری کند.

جهان هستی بر پایه اسباب و مسببات پایه‌ریزی شده است؛ به گونه‌ای که برای تحقق هر امری باید زمینه‌ها و شرایط آن فراهم شده باشد. دعا کردن نیز در این نظام، جایگاه خاص خود را دارد و در کنار سایر شرایط، یکی از آن‌ها شمرده می‌شود. از این‌رو، وظیفه هر انسان، دعا کردن است؛ همان‌گونه که باید تلاش و کوشش نیز داشته

۱. قال الصادق علیه السلام: «انی لادعوا الله لمذنبی شیعتنا فی الیوم واللیلة الف مرة»؛ کافی، ج ۱، ص ۴۷۲.

۲. چندین دعا، «دعای فرج» نامیده شده‌اند که دعای «الهی عظم البلاء...» از جمله آن‌هاست.

باشد.

حقیقت دعا، اظهار عجز و فقر و نیاز به درگاه پروردگار عالم و خالق جهان است. انسان هنگام دعا ارتباط ویژه‌ای با حضرت حق برقرار کرده و ضمن اعتراف به حقارت و کوچکی خود، عظمت باری تعالی را یاد می‌کند. او خود را مالک چیزی نمی‌داند و در برابر خداوند، خویش را هیچ به حساب می‌آورد و عبودیت و بندگی‌اش را در مقابل او اظهار می‌دارد.

دعا ارتباطی زیبا بین خدا و بنده است. در آن حال، بنده، نزد خدا عزت می‌یابد، به او نزدیک‌تر می‌شود و عنایت ویژه حق را شامل حال خود می‌کند. نیازش پذیرفته، حاجتش روا، و دعایش مستجاب می‌گردد.

چرا دعا؟!

ارزش و اعتبار انسان به دعاست. خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ مَا يَعْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾^۱ «بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند».

دعا در روایات، هم‌سنگ نماز، ستون دین،^۲ عبادت^۳ و بلکه بزرگ‌ترین عبادت،^۴ نور زمین و آسمان^۵ و نیز کلید پیروزی و رستگاری،^۶ سلاح مؤمن^۷ و نافذتر از نیزه^۸ بیان شده است.

-
۱. سوره فرقان، آیه ۷۷. سید بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید: «إِنَّ محلَّ الإنسان و منزلته عند الله جلَّ جلاله علی قدر دعائه و قيمته بقدر اهتمامه بمناجاته و ندائه...؛ همانا جایگاه و منزلت انسان نزد خداوند به اندازه دعای اوست و بها و قیمت انسان به اندازه گفتگو و راز و نیاز با خداست». *فلاح السائل*، ص ۲۶.
 ۲. «الدعاء ... عمود الدين». *کافی*، ج ۲، ص ۴۶۸.
 ۳. «الدعاء هی العبادۃ». *همان*، ص ۴۶۷.
 ۴. «الدعاء ... هی العبادۃ الکبری». *مجمع البیان*، ج ۸، ص ۴۵۱.
 ۵. «الدعاء ... نور السموات و الأرض». *کافی*، ج ۲، ص ۴۶۸.
 ۶. «الدعاء ... مفاتیح النجاح و مقالید الفلاح». *بحار الأنوار*، ج ۳۷، ص ۳۴۱ و ج ۹۳، ص ۳۰۰.
 ۷. «فإنَّ سلاح المؤمن الدعاء». *مکارم الاخلاق*، ج ۲، ص ۸. «علیکم بسلاح الانبیاء؛ فقیل: و ما سلاح الانبیاء؟ قال الدعاء». *کافی*، ج ۲، ص ۴۶۸.
 ۸. «الدعاء أنفذ من السنان». *مکارم الاخلاق*، ج ۲، ص ۱۲.

پیامبر ﷺ فرمودند: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^۱ مغز عبادت، دعاست». یعنی روح عبادت، دعاست. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ مِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ»^۲ دعا کلید رحمت و چراغ تاریکی هاست».

همان گونه که روایت شده: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ»^۳ در حدیث دیگری نیز آمده است: «الدُّعَاءُ عَمُودُ الدِّينِ»^۴ دعا ستون دین است». امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ»^۵ بهترین کاری که خدا دوست دارد دعاست».

پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ»^۶ آدم بدبخت و عاجز کسی است که حتی حال دعا هم ندارد». امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْزِلَةً لَا تُتَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ»^۷ خداوند مواهبی دارد که تا دعا نکنی به تو نمی دهد».

آن امام در روایت دیگری فرمودند: «إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا»^۸. یعنی اگر چیزی برای انسان مقدر شده باشد، با دعا می شود آن را عوض کرد؛ اگر چه محکم و استوار شده باشد.

از مسائل مهمی که جزو نیازهای انسان محسوب می شود، دعا و نیایش است. دعا مثل

۱. إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۴۴.

۴. «الدعاء ... عمود الدين». کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۵. همان، ص ۴۶۷.

۶. آمالی، شیخ مفید، ص ۳۱۷.

۷. کافی، ج ۲، ص ۴۶۶.

۸. همان، ص ۴۶۹.

خداجویی، از فطرت و ضمیر آدمی نشأت می‌گیرد. وقتی سیر و سیاحتی در این کره خاکی می‌کنیم و با ملت‌های مختلف و ادیان گوناگون و سنن و رسوم متفاوت آن‌ها روبه‌رو می‌شویم، می‌بینیم که هر کدام برای خود، اوراد و اذکار و دعاهای مخصوصی دارند و هیچ جای دنیا را نمی‌یابیم که مردمش از دعا جدا و بی‌نیاز باشند. حتی آن‌ها که بت می‌پرستند هم در معابدشان به خاک می‌افتند و دعا می‌خوانند.

شیخ جواهر طنطاوی، صاحب تفسیر معروف طنطاوی، از علمای بزرگ مصر است. او در اواخر عمرش با صحیفه سجادیه آشنا می‌شود و پس از آشنایی با آن کتاب ارزشمند، نامه‌ای به آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته‌الله می‌نویسد که جداً خواندنی است. او در قسمتی از آن نامه می‌نگارد:

و من الشقا انا الى الآن لم تقف على هذا الاثر القيم الخالد من
 موارث النبوه و اهل البيت و انى كلما تاملتها رايتها فوق كلام المخلوق و
 دون كلام الخالق؛^۱ این از بدبختی من بوده که تا امروز به این اثر
 جاودانه‌ای که از زبان اهل بیت علیهم‌السلام صادر شده است، توجه
 نکرده‌ام. من هرچه در این کتاب دقت می‌کنم، آن را بالاتر از کلام
 مخلوق و پایین‌تر از کلام خالق می‌بینم.

دعای عرفه، دعای کمیل، دعای ندبه، مناجات شعبانیه و باقی ادعیه، حقایقی هستند که اگر بتوانیم با آن‌ها انس پیدا کنیم و لذت خواندن آن‌ها را درک نماییم و سپس به دیگران منتقل کنیم، در رفع مهمجوریت و مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام کار بزرگی انجام داده‌ایم. آیت‌الله مروی نقل می‌کند: «عصر روزی که حجاج ایرانی را در عربستان کشتند،

۱. جریان این نامه‌نگاری در مقدمه کتاب «صحیفه سجادیه» با مقدمه آیت‌الله مرعشی ذکر شده است. (دار الکتب الاسلامیه، ترجمه سید صدر الدین بلاغی، ۱۳۶۹ ق، صص ۳۷ - ۳۸)

حکومت عربستان با دکتر عَدَّ مرداش العُقیری تماس گرفت. او نویسنده معروف و از حقوق‌دان‌های درجه‌یک جهان عرب و مشاور حقوقی حُسنی مبارک بود و پطرس غالی نیز از او دعوت کرده بود که به عنوان مشاور حقوقی به سازمان ملل برود. در تماسی که با او گرفتند، گفتند: «سریع به عربستان بیا که اگر ایران از این جریان به مجامع بین‌المللی شکایت کرد، شما به عنوان مشاور حقوقی ملک فهد بتوانی از نظر حقوقی این کشتار را توجیه کنی و این قضیه را قانونی جلوه دهی».

دکتر عَدَّ مرداش روز قبل از عرفه به عربستان می‌رود، مُحرم می‌شود و در عرفات در خیمه رؤسای وهابیت مستقر می‌شود. آن‌ها برای او توجیه می‌آورند که ایرانی‌ها مشرک و مرتدند و می‌خواستند خانه خدا را خراب کنند، ما هم آن‌ها را کشتیم. حالا شما جریان حقوقی‌اش را درست کن.

عصر عرفه، دکتر به دو سه نفر از همراهانش - که از حکومت سعودی بودند - می‌گوید: مرا سمت چادر ایرانی‌ها ببرید تا ببینم آن‌ها چه کار می‌کنند؟! به طرف چادر ایرانی‌ها می‌آید و می‌بیند که صدای ضجه و گریه بلند است و دعایی می‌خوانند. میخ‌کوب می‌شود. کنار یکی از چادرها می‌نشیند و گوش می‌دهد. هرچه اطرافیان می‌گویند برویم، قبول نمی‌کند و تا آخر دعا همان‌جا می‌نشیند.

بعداً متوجه می‌شود که ایرانی‌ها دعای عرفه امام حسین علیه السلام را قرائت می‌کنند؛ دعایی که امام با قرائت آن، با خدا راز و نیاز کرده است. با خود می‌گوید: این‌ها مشرک‌اند؟ این‌هایی که این حقایق بلند را دارند که من در طول عمرم نشنیده بودم، چگونه مشرک هستند؟!

او وقتی به مصر برمی‌گردد، تحقیقاتی درباره تشیع می‌کند و سرانجام شیعه می‌شود.

چند کتاب از ایشان منتشر شده که در یکی از آن‌ها مفصل توضیح داده که چطور شیعه شده است.^۱

ما اگر بتوانیم در منبرها و صحبت‌هایمان عظمت ادعیه را مطرح کنیم، کار مهمی انجام داده‌ایم. در ایام حج، مسلمانان وقتی صدای دعای کمیل حاجی‌های ایرانی را می‌شنوند، منقلب می‌شوند. از خصوصیات مکتب تشیع - که در هیچ مذهب دیگری پیدا نمی‌شود - مسأله دعاست. هرکس با ادعیه معصومین علیهم‌السلام آشنا شود، تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

دعا آثار بسیار شگرفی بر زندگی انسان و روح و روان او دارد. دعا انسان را به خدا نزدیک می‌نماید، او را بنده خدا می‌کند، به او امید و تحرک می‌دهد و رابطه انسان با خدا را مستحکم و قوی می‌گرداند.

بنابراین دعا جزو مسائل فطری ماست و نمک‌شناسی است که انسان فقط در مواقع گرفتاری و هجوم مشکلات به درگاه الهی التجا و انابه کند و همین که حاجتش برآورده شد و به مرادش رسید، دست از دعا و نیایش بردارد و از آن بدتر، گاهی ناسپاسی و طغیان کند: ﴿وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ﴾^۲ «چون انسان را سختی رسد، پروردگار خویش را بخواند و به سوی او بازگردد و چون خدا نعمتی از جانب خویش به او دهد، آن سختی را - که سابقاً خدا را برای رفع آن می‌خواند - فراموش کند».

به راستی راز و رمز فضیلت دعا و تأکید آن در آیات و روایات در چیست؟ نیایش چه ضرورتی دارد و چرا انسان باید دعا کند؟!

۱. این سخنان در پایان درس کفایة الاصول، جلد اول، جلسه ۳۷ ایراد شده است.

۲. سوره زمر، آیه ۸.

دعا نوعی ارتباط با خالق و درخواست از او و ابراز نیاز به درگاه اوست؛^۱ چنان‌که پروردگار در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾؛^۲ «ای مردم، شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز ستوده است» و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ﴾؛^۳ «خداوند، بی‌نیاز [مطلق] است و شما بیید که نیازمندید».

انسانی که این حقیقت (فقر محض) را درک کند و خود را محدود و سرتاپا نیاز ببیند، و از سوی دیگر بفهمد که پروردگار، بی‌همتا، بخشنده، مهربان و غنی است، به ضرورت دعا پی‌می‌برد و با افتخار و سربلندی، دست نیاز به آستان کبریایی او بلند می‌کند. او از ذات بی‌همتای الهی مدد می‌طلبد و این مسأله را برای خود و هم‌نوعانش ضروری می‌داند. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «أَعْلَمُ النَّاسَ بِاللَّهِ أَكْثَرُهُمْ لَهُ مَسْأَلَةٌ»؛^۴ آن‌کس که بیش‌تر از همه دعا می‌کند، بیش از دیگران خدا را می‌شناسد».

بنابراین امامان که به این حقیقت، معرفت کامل داشته و عجز و فقر خود را بیش‌تر احساس می‌کرده‌اند، از همه انسان‌ها بیش‌تر دعا می‌کردند. آنان با بی‌نیازی از مردم و آنچه در دست آنان است، خود را فقیر محض درگاه الهی معرفی می‌کردند. امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه خود را این‌گونه معرفی می‌فرماید:

۱. حقیقت دعا، خواستن است، نه خواندن. ابن‌فارس در معجم مقاییس اللغة ذیل ماده «دعو» می‌نویسد: «دعو: أصل واحد، و هو أن تميل الشيء إليك بصوت و كلام يكون منك». آقای مصطفوی نیز در التحقیق،

ج ۳، ص ۲۰۴ می‌نویسد: «إنَّ الأصل الواحد في هذه المادة: هو طلب الشيء.»

۲. سوره فاطر، آیه ۱۵.

۳. سوره محمد، آیه ۳۸.

۴. غرر الحکم، ص ۱۹۲.

الهی انا الفقیر فی غنای فکیف لا اكون فقیراً فی فقری؛^۱ خدایا! من
در حال بی‌نیازی، فقیر هستم؛ پس چگونه در حال فقر، نیازمند و فقیر
نباشم؟!.

بنابراین هرکس این ضرورت را احساس نکند و بیندارد که از خدا بی‌نیاز است، قطعاً
در برهوت طغیان سقوط می‌کند. خداوند متعال که خالق همه موجودات است و کاملاً به
نظام وجودی انسان آگاهی دارد، در این خصوص می‌فرماید: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ﴾^۲
رَأَهُ اسْتَغْنَى؛^۳ «حقاً که انسان سرکشی می‌کند، همین‌که خود را بی‌نیاز پندارد».

۱. بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۲۲۴.

۲. سوره علق، آیات ۶ و ۷.

چرا باید برای امام زمان علیه السلام دعا کرد؟!

دعا به ساحت مقدس امام که ولی نعمت ما و واسطه فیض الهی است، اهمیت ویژه‌ای دارد. وظیفه هر انسان، دعا برای اوست.

تردیدی نیست که دعا از عبادت‌های عظیم است و آثار فراوانی دارد. دعا کردن راهی است برای آن‌که امام عصر علیه السلام را یاد کنیم و با آن عزیز ارتباط روحی و معنوی بگیریم. این ارتباط، ثمرات بسیاری برای رشد و کمال روحی ما دارد.

دعا کردن برای امام، نوعی عرض ارادت و محبت نسبت به اوست و قطعاً از سوی آن امام کریم بی‌پاسخ نخواهد ماند و ایشان، دعاکننده را مورد لطف و عنایت خاص خود قرار خواهد داد.

دعا کردن برای امام، یعنی آن وجود عزیز را بر بسیاری از موجودات و پدیده‌ها مقدم دانستن و وجود و نقش او را مدنظر قرار دادن. این موضوع، سبب زیاد شدن محبت آن بزرگوار در دل‌ها و جان‌ها می‌گردد؛ زیرا ذکر محبوب، باعث فراوانی محبت نسبت به او خواهد شد.

در سیره معصومین (ع) دعا کردن جایگاه ویژه‌ای داشته است. علاوه بر سیره عملی، آنان احادیث گران‌بهایی نیز در ضرورت، فضایل و آثار دعا نیز برای انسان‌ها به یادگار گذاشته‌اند.^۱ در این میان، ادعیه و زیارات مخصوص به امام مهدی (عج) از جایگاه خاصی برخوردار است. کثرت این دعاها در میان گنجینه ادعیه، به ضرورت دعا برای امام زمان (عج) اشاره دارد.

اهل ولا چو روی به سوی خدا کنند
اول به جان گمشده خود دعا کنند^۲

دعا کردن برای آخرین حجت الهی، خصوصاً برای سلامتی ایشان، سیره و سنت پیشوایان دین در همه حال و در بهترین حالات، یعنی به هنگام نماز و راز و نیاز بوده است. امامان معصوم (ع) بارها برای آخرین فرزند معصومشان دست به دعا برداشته‌اند. صاحب مکمال المکارم بیش از یک‌صد دعا را که از ناحیه مقدس معصومان (ع) صادر شده، تقدیم منتظران کرده است.^۳ ضمناً ایشان در اثری دیگر می‌نویسد:

«بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمه طاهرین (ع) داشته باشد، پوشیده نیست که آنان چقدر بر دعا نمودن به حضرت صاحب‌الزمان (عج) و مسئلت فرج آن جناب از خداوند عالمیان - جلّ شأنه - اهتمام داشته‌اند و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدعی آگاه شوی، ملاحظه کن دعای حضرت امیر (ع) را - که ضمن حدیث روایت شده

۱. رک: میزان الحکمة (ترجمه فارسی)، ج ۴، ص ۱۶۴۳. یکی از موضوعات مهم در این باب، تشویق به دعا کردن برای هر حاجتی است. حتی نمک غذا، بند کفش و علوفه دام را که از موضوعات بسیار ریز و ابتدایی است، دستور فرموده‌اند که از خدا بخواهیم: «حتی شمع النعل»، «حتی یسالة شمع نعله» (بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۹۵)، «حتی علف شانک و ملح عجینک». (همان، ص ۳۰۳)

۲. یار غایب از نظر، ص ۲۰۸.

۳. مکمال المکارم، ج ۲، صص ۲۵ - ۱۰۳.

در غیبت نعمانی آمده - و دعای حضرت سید الساجدین علیه السلام را در روز عرفه - که در صحیفه سجادیه آمده - و دعای آن حضرت را بعد از نماز ظهر و عصر روز جمعه - که در جمال الاسبوع آمده - و دعای حضرت صادق علیه السلام برای آن حضرت را بعد از نماز ظهر - که در فلاح السائل و بحار آمده - و دعای آن حضرت را در صبح بیست و یکم ماه رمضان - که در اقبال آمده - و دعای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را بعد از نماز عصر - که در فلاح السائل آمده - و دعای حضرت امام رضا علیه السلام در جمال الاسبوع و دعای امام محمد تقی علیه السلام در کافی و دعای امام حسن عسکری علیه السلام در مهج الدعوات و دعای روایت شده از خود آن جناب را در کمال الدین و تمام النعمه و قنوت نماز ظهر جمعه آن حضرت - که در کمال الدین و تمام النعمه آمده - و قنوت نماز ظهر جمعه آن حضرت - که در جمال الاسبوع روایت شده - و دعای آن حضرت بعد از دو رکعت اول نماز نافله شب - که در مصباح المتعجد و مفتاح الفلاح نقل شده - و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة و دعای صبح‌های روزهای جمعه و دعای بعد از نمازهای فریضه و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه و دعای افتتاح و غیر این‌ها، که ذکرش موجب طول است.

بلکه از عبارت دعای روز عرفه و قنوت روز جمعه - که در جمال الاسبوع روایت شده - و بعضی ادله دیگر ظاهر می‌شود که مؤمن باید هر دعایی که می‌نماید، ابتدا کند به دعا برای حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام و دعا برای ایشان بعد از نماز عصر و بلکه بعد از هر نماز سفارش شده است. هم‌چنین دعا برای ایشان در قنوت نماز جمعه، در سجده، هر صبح و شب، روز جمعه، شب جمعه در حرم امام حسین علیه السلام، در صحرای عرفات، روز

عید فطر، روز عید قربان، نیمه شعبان و تمام روزهای ماه رمضان سفارش شده است.^۱

بنابراین اگر سؤال شود که «چرا باید به حضرت دعا کرد؟» می‌گوییم:

۱. چون ایشان برترین مؤمنین است و پیامبر (ص) فرمود: «به مؤمنین دعا کنید».

۲. چون ایشان فریادرس بیچارگان است. امام مهدی (عج) در این باره می‌فرماید: «إنا

غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذكرکم»^۲ ما در رسیدگی به شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم».

۳. چون ایشان احیاگر دین خداست. در دعای ندبه می‌گوییم: «أین محیی معالم

الدین»^۳ و در قرآن می‌خوانیم: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۴. غلبه اسلام بر دیگر ادیان، توسط آن حضرت محقق می‌شود.

۴. چون ایشان انتقام‌گیرنده از دشمنان اسلام است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «قال الله و

به أنتقم من أعدائی»^۵ خداوند فرموده است که به وسیله او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت».

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «إذا قام قائمنا انتقم لله و لرسوله و لنا أجمعین»^۶ هرگاه قائم ما قیام کند، انتقام ما را می‌گیرد».

۵. چون ایشان اقامه حدود می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «و یقام حدود الله فی

۱. کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم (عج)، ص ۷۲ و ۷۳.

۲. احتیاج، ج ۲، ص ۴۹۵.

۳. إقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۴. سوره توبه، آیه ۳۳.

۵. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۲.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

خلقه؛^۱ امام مهدی علیه السلام در میان خلائق، اقامه حدود می‌کند».

۶. چون ایشان مضطرب است. از امام محمد باقر علیه السلام درباره تفسیر آیه ﴿أَمِنْ يَجِيبُ الْمَضْطَرُ﴾^۲ سؤال شد. آن حضرت فرمود: «نزلت فی القائم؛^۳ این آیه در مورد امام زمان علیه السلام است».

۷. چون ایشان عامل تألیف دل‌هاست. در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيْنَ مُؤَلِّفِ شَمْلِ الصَّالِحِ وَالرَّضَا»^۴.

۸. چون ایشان مهربان و واسطه فیض است. در دعای ندبه می‌گوییم: «این سبب المتصل بین الارض والسماء» و در دعای عدیله می‌خوانیم: «يُؤَمِّنُهُ رُزْقُ الْوَرَى وَ بُوْجُودُهُ ثَبَتَتِ الْاَرْضَ وَالسَّمَاءَ».

۹. چون قبولی اعمال ما وابسته به رضایت آن حضرت است. در زیارت می‌خوانیم: «بَوْلَايَتِكَ تَقْبَلُ الْاَعْمَالُ»^۵.

۱۰. چون به وسیله آن حضرت، از ما دفع بلا می‌شود: «وَبِیْ يَدْفَعُ اللّٰهُ عِزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءُ عَنْ اَهْلِي وَ شِيعَتِي»^۶ همان‌طور که درباره پیامبر در قرآن آمده است: ﴿وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ اَنْتَ فِيْهِمْ﴾^۷ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أهل بيتي أمان لأهل الارض»^۱ در حال

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۵.

۲. سوره نمل، آیه ۶۲.

۳. الغيبة، نعمانی، ص ۳۱۴.

۴. إقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۵. المصباح، کفعمی، ص ۴۹۲.

۶. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱.

۷. سوره انفال، آیه ۳۳.

حاضر تنها فرد از اهل بیت (ع) که امام حی و حاضر و موجب امان اهل زمین است، امام مهدی (عج) است.

۱۱. چون ایشان از ما شفاعت می‌کند. پیامبر (ص) می‌فرماید: «المهدی شفیعهم یوم القیامة».^۲

۱۲. چون ایشان در همین دنیا نیز به همه، توجه و عنایات فراوان دارد. به طور مثال، پدر شیخ صدوق بچه‌دار نمی‌شد. نامه‌ای به محضر مبارک امام زمان (عج) نوشت تا آن حضرت در حقش دعا کند و نامه را به وسیله حسین بن روح به آن حضرت رساند. امام نیز در حقش دعا کرد و در جواب نامه‌اش نوشت: «قد دعونا الله لك بذلك، و سترزق ولدین ذكرین خیرین».^۳ به برکت دعای آن حضرت، او صاحب دو فرزند عالم و فقیه شد که یکی از آنها، شیخ صدوق بود که قبرش در نزدیکی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی است.

۱۳. مزد رسالت پیامبر (ص) دعا برای حضرت مهدی (عج) است. وقتی به امام مهدی (عج) دعا می‌کنیم، در واقع می‌گوییم: «یا رسول الله! مزد آن‌که خدا را به وسیله تو شناختم، ادا می‌کنم. مزد تو آن است که به نوه تو و پیاده‌کننده احکام دین تو دعا کنم». او حق نعمت، حق رهبری و حق ارشاد بر گردن ما دارد. او ولی نعمت ماست، جدش ما را هدایت کرده، رهبر ماست و اگر او نبود، ما نبودیم.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲. المناقب، ج ۱، ص ۲۹۲.

۳. الرجال، نجاشی، ص ۲۶۱.

با وجود آن‌که اساسی‌ترین نیاز هر انسان، امام و حجت الهی است،^۱ و بحث «اضطرار به حجت» یکی از شکوفاترین بحث‌ها و بخش‌های دین به شمار می‌آید، آیا می‌توان دعا برای وجود نازنین امام عصر علیه السلام و واسطه فیض الهی را ضروری ندانست؟! در میان نیازهای انسان، نیاز به امام، اساسی‌ترین مسأله است و از نظر عقلی، مهم‌ترین نیاز، ضرورت جدی‌تری نیز دارد. بنابراین، دعا برای امام، ضروری‌ترین دعاهاست. به راستی چه زیباست که بهترین حالات خودمان را به بهترین فرد اختصاص دهیم. دعا بهترین حالت انسان است و باید به امام زمان علیه السلام، بهترین مخلوق خداوند متعال، اختصاص یابد.

در این میان، دعای سلامتی آن حضرت، جایگاه والایی دارد. علما و محدثان بزرگ شیعه، از قرن‌های گذشته تاکنون، این دعای شریف را در متون اولیه و کتب معتبر به مناسبت اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ثبت و ضبط کرده‌اند. علمایی که به ذکر این دعا پرداخته‌اند، بر اساس تقدم تاریخی و زمانی عبارت‌اند از:

۱. ثقة الاسلام محمد بن یعقوب اسحاق کلینی رحمته الله

شیخ کلینی (متوفای ۳۲۹ قمری) در کتاب ارزش‌مند کافی^۲ این دعا را از محمد بن عیسی نقل کرده است. این کتاب از قدیمی‌ترین و معتبرترین کتاب‌های حدیثی شیعه به شمار می‌آید و در عصر غیبت صغری تألیف شده است.

۱. رک: معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۳، ص ۳۳۹ و ج ۴، ص ۱۴۸؛ کافی، کتاب الحجة، باب اضطرار

الی الحجة.

۲. ج ۴، باب الدعاء فی العشر الاواخر من شهر رمضان، ص ۱۶۲.

۲. شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی رحمته الله

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ قمری) در دو کتاب ارزشمند تهذیب الأحکام^۱ و مصباح المتعبد و سلاح المتعبد^۲ این دعا را نقل کرده است. ایشان که به «بزرگ شیعه» لقب گرفته، صاحب دو کتاب تهذیب و استبصار از چهار کتاب معتبر شیعه است. کتاب ارزشمند مصباح المتعبد ایشان از کتاب‌های بسیار معتبر شیعه در زمینه دعاست. این کتاب از متون روایی و حدیثی برگرفته شده و از زمان نگارش تا به حال مورد توجه علما و مردم بوده است.

۳. محمد بن جعفر مشهدی حائری رحمته الله

ابن مشهدی از علمای بزرگ شیعه است که قبل از ۵۸۰ قمری دیده از جهان فروبست. ایشان در کتاب ارزشمند المزار الکبیر^۳ این دعا را ذکر کرده‌اند. بزرگان شیعه در طول هشت قرنی که از تألیف آن می‌گذرد، همواره بدان اعتماد و استناد کرده‌اند.

۴. علی بن موسی بن طاووس حلی رحمته الله

سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ قمری) در دو کتاب خود، این دعای شریف را ذکر فرموده است: الإقبال بالأعمال الحسنة فیما يعمل مرة فی السنة^۴ و فلاح السائل^۵. این آثار سودمند جایگاه ویژه‌ای نزد علمای شیعه دارد. کتاب‌هایی درباره دعا که بعد

۱. ج ۳، ص ۱۰۳.

۲. ص ۶۳۰.

۳. ص ۶۱۱.

۴. ج ۱، ص ۱۹۱.

۵. ص ۱۱۳.

از ایشان تألیف شده، وام‌دار این آثار است.

۵. شیخ تقی‌الدین ابراهیم کفعمی قدس سره

شیخ کفعمی (متوفای ۹۰۰ قمری) نیز در دو اثر از آثار گران‌بهایش، این دعای شریف را ذکر فرموده است: *جَنَّةُ الْأَمَانِ الْوَاقِعِيَّةِ وَ جَنَّةُ الْإِيمَانِ الْبَاقِيَّةِ* (مشهور به مصباح)^۱ و *البلد الأمين*^۲.

ایشان در مقدمه کتاب مصباح می‌نویسد:

این کتاب را از کتاب‌های مورد اعتماد جمع‌آوری کردم که باید به ریسمان محکم آن‌ها چنگ زده شود، و آن را به گونه‌ای مرتب کردم که خواننده آن را به بالاترین درجات وصول به حق برساند.

این کتاب مشتمل بر دعا‌های پربهایی است که علمای شیعه در قرون متمادی آن را تأیید کرده‌اند.

۶. شیخ جلیل، حسن بن سلیمان حلّی قدس سره

شیخ حسن بن سلیمان حلّی (متوفای قرن نهم هجری) در کتاب *مختصر بصائر الدرجات*^۳ این دعا را نقل کرده و برخی از بخش‌های آن را شرح داده است.^۴ با توجه به منابع یاد شده، ارزش و اهمیت این دعا کاملاً روشن می‌نماید؛ اما برای اتقان بیشتر، بحث سندی این دعا را نیز مطرح می‌کنیم.

۱. ص ۷۷۹.

۲. ص ۲۰۳.

۳. ص ۱۹۲.

۴. البته علمای دیگری نیز این دعا را نقل فرموده‌اند؛ مانند علامه مجلسی در *بحار الأنوار*، ج ۹۷، ص ۳۴۹، محدث نوری در *مستدرک الوسائل*، ج ۷، ص ۴۸۳ و *نجم الثاقب*، ص ۷۵۷؛ محدث قمی در *مفاتیح الجنان و سفینة البحار* و...

بررسی سند دعای سلامتی

سند این دعا در کتاب کافی این گونه ذکر شده است: «محمد بن عیسی باسناده عن الصالحین». در کتاب تهذیب، به جای «صالحین»، «صادقین» آمده و در کتاب اقبال نیز همین سند با طریق خودش ذکر گردیده است.^۱

«محمد بن عیسی» در سند ۱۰۹۲ روایت، جزو راویان به شمار آمده است.^۲ این نام بین چند نفر مشترک است، ولی فرد مشخص این روایت، یعنی محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین، ۱۶۳ روایت نقل کرده است. ایشان از شاگردان و اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیه السلام به شمار می آید و در کتب رجال از او به بزرگی و عظمت و عدالت یاد شده است.^۳

۱. «ما ذكره جماعة من أصحابنا و قد اخترنا ما ذكره ابن أبي قرّة في كتابه، فقال بإسناده إلى علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن محمد بن عیسی بن عبید، بإسناده عن الصالحین». اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲. معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۹۲.

۳. همان، صص ۱۱۶-۱۲۶.

بنابراین اگرچه در سند این دعای شریف، تعلیق صورت گرفته^۱ و - همان طور که محدث خبیر، علامه مجلسی رحمته الله^۲ نیز بیان فرموده - مرسل است،^۳ اما ادله و ظنون معتبری وجود دارد که اعتبار و صحت این دعای شریف را ثابت می‌کند. این ادله عبارت‌اند از:

۱. وجود روایتی در کتب اربعه، ظن بر حجیت ایجاد می‌کند. این دعای مبارک در دو کتاب از کتب اربعه، یعنی کافی و تهذیب ذکر شده است.

۲. این دعا در کتب معتبر و مهمی وارد شده که ظن بر حجیت آن‌ها وجود دارد. از جمله:

الف) ابن‌مشهدی این دعا را در *المزار الکبیر* ذکر کرده و در مقدمه اثر خود آورده است:

من در این کتاب از میان زیارات مشاهد مشرفه، اعمال مساجد و اماکن مقدسه، دعا‌های برگزیده و تعقیبات نمازهای فرضیه، متونی را جمع کرده‌ام که با سند متصل و توسط راویان مورد وثوق به دستم رسیده است.^۴

۱. تعلیق در علم‌الحديث به حذف نام یک یا چند راوی از ابتدای سند به اتکای اسناد قبل گفته می‌شود بدون این‌که به قسمت محذوف سند با عباراتی چون «بهذا الاسناد» یا ضمیر اشاره شود.

۲. *مرآة العقول*، ج ۱۶، ص ۳۹۴.

۳. مرسل در اصطلاح علم‌الحديث به روایتی گفته می‌شود که در آن، نام یک یا چند نفر از سلسله سند حذف شده باشد. آقای حمید احمدی جلفایی مقال‌های زیبا درباره سند این دعا به رشته تحریر در آورده است. ایشان برای رفع تعلیق و ارسال این دعا می‌نویسد: «غالب صاحب‌نظران و محققان، امثال این سندها را بر سند حدیث یا احادیث قبلی معلق فرض کرده‌اند... و سند این دعا چنین خواهد بود: احمد بن محمد، عن علی بن الحسن، عن محمد بن عیسی و ابن راویان ثقه هستند». *فصل‌نامه انتظار*، ش ۶، ص ۲۶۲.

۴. *المزار الکبیر*، ص ۲۷.

آیت‌الله خویی رحمته با اشاره به این عبارت ابن‌مشهدی می‌نویسد: «این جمله به صراحت، بر توثیق همه کسانی که در سلسله سند این کتاب قرار گرفته‌اند، دلالت می‌کند».^۱

ب) این دعا در مصباح کفعمی رحمته نقل شده است. ایشان در مقدمه کتاب خود نوشته است: «این کتاب را از کتاب‌های مورداعتماد جمع‌آوری کرده‌ام».^۲

ج) سیدبن طاووس رحمته در کتاب *اقبال*، این دعا را از کتاب ابن ابی‌قره - که در میان علمای رجال مقامی عالی دارد - نقل کرده است. مرحوم نجاشی رحمته درباره ایشان می‌نویسد:

ابوالفرج، محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی‌قره قنائی موثق بوده و روایات زیادی استماع و کتب زیادی تألیف کرده، که از آن جمله است: *عمل یوم الجمعة، عمل الشهور، معجم رجال ابی‌مفضل* و کتاب *تهجد*، که همه آن‌ها را به من خبر داده و به من اجازه روایت آن‌ها را داده است.^۳

نجاشی لقب او را «قنائی» آورده، ولی علامه حلی رحمته یک‌بار از او با «قنائی» و بار دیگر با «قنابی» یاد کرده^۴ و او را توثیق نموده است.^۵ مرحوم نمازی در عظمت ایشان می‌نویسد: «به اتفاق همه رجالیون، مورد وثوق است».^۶

۱. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۶۵.

۲. *جنة الامان الواقعية و جنة الایمان الباقية*، ص ۱۷.

۳. *الرجال، نجاشی*، ص ۳۹۸.

۴. *ایضاح الاشتباه*، ص ۲۶۶ و ۲۸۷.

۵. همان، ص ۱۶۴.

۶. مستدرک علم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۵۱.

بنابراین، از این که قنائی در کتابش این دعا را نقل فرموده و سید بن طاووس رحمته که در وثاقت مشهور است^۱ - از او نقل می‌کند، یقین حاصل می‌شود که این دعا معتبر است و از همین رو، همواره آن را در کتب معتبر دعایی شیعه نقل کرده‌اند.

۳. مضامین و بخش‌های این دعا با عقل و نقل سازگار است و در شرح و تفسیر بخش‌های آن، می‌توان از ادعیه مشابه دیگر بهره برد. ضمن آن‌که تمام بخش‌ها و جملات این دعا، در ادعیه دیگر نیز وارد شده است. برای مثال:

الف) برخی از فرازهای این دعا در دعای ساعت آخر هر روز (از هنگام زردی آفتاب تا غروب) که برای امام عصر علیه السلام خوانده می‌شود، وارد شده است. در آن دعا می‌خوانیم:

یا من توحد بنفسه عن خلقه... و کن له ولیاً و حافظاً و ناصرأ و قائداً
و کالئاً و ساتراً حتی تسکنه أرضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً یا أرحم
الراحمین و لاحول و لا قوّة إلاّ بالله العلیّ العظیم...؛^۲ ای کسی که به
وسیله ذات، تنها و یگانه از مخلوقات شدی!... برای او (حجه بن
الحسن) سرپرست و حافظ و یاور و پیشوا و مخفی‌گاه و پوشاننده باش،
تا او را در حالی که مردم به او میل و رغبت دارند، بر روی زمین ساکن

۱. نسب این عالم بزرگوار به فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد. وی از محدثان بزرگ و قابل اعتماد شیعه است. مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب *امل الآمال*، ج ۲، ص ۸۲ درباره او می‌نویسد: «حاله فی العلم و الفضل و الزهد و العبادة و الثقة و الفقه و الجلالة و الورع اشهر من ان یذکر». علامه شوشتری نیز در وصف او می‌نویسد: «السید السند المعظم المعتمد العالم العابد الزاهد الطیب الطاهر، مالک أزمة المناقب و المفاز، صاحب الدعوات و المقامات و المکاشفات و الکرامات، مظهر الفیض السنی و اللطف الخفی و الجلی».

۲. مصباح المتجهّد، ص ۵۱۷؛ البلد الامین، ص ۲۱۱؛ المصباح، ص ۱۹۳؛ منهاج العارفين، ص ۱۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۴۰؛ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۶۴ و صحیفه مهدیه، ص ۳۸۲.

گردانی و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرمایی. ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان! هیچ توانایی و قدرتی جز به خدای بلندمرتبه بزرگ نخواهد بود.

ب) برای بعد از نماز صبح روز جمعه، دعای نسبتاً طولانی وارد شده است که بخشی از آن، این چنین است:

اللّٰهُمَّ وَ كُنْ لَوْلِيَّكَ فِي خَلْقِكَ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَ تَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَ تَجْعَلَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ فِيهَا الْأُتَمَّةَ الْوَارِثِينَ...؛^۱ پروردگارا! برای ولی‌ات در میان مخلوقات سرپرست و حافظ و پیشوا و یاور باش تا او را در حالی که مردم به او میل و رغبت دارند، روی زمین ساکن گردانی و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرمایی و او و ذریه‌اش را پیشوایان وارث قرار دهی.

از هم‌سو بودن این دعا با دعاها و زیارات دیگر در می‌یابیم که این دعای شریف، معتبر بوده و از سوی معصوم صادر شده است.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

۱. بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۴۹ و مکبیل المکارم، ج ۲، ص ۶۸.

بررسی مقدمه دعا

در آغاز این دعا آمده است: «تُكْرَرُ [کرر] فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءُ سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَ فِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَ كَيْفَ أُمْنِكَ وَ مَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ...؛ این دعا را در شب بیست و سوم ماه رمضان، در حال سجده، ایستادن، نشستن و در همه حال و بلکه در همه این ماه و تا زمانی که زنده هستی، تکرار کن. بعد از تمجید خداوند متعال و صلوات بر پیامبر ﷺ بگو...».

از این مقدمه نتیجه می گیریم:

۱. تکرار دعا مطلوب است و یکی از ابزار ارتباط مؤثر خلق با خالق محسوب می شود. (تُكْرَرُ)

۲. از شرایط مقدماتی دعا، تمجید و تکریم پروردگار متعال، و درود و سلام بر آخرین پیامبر ﷺ و اهل بیت او ﷺ است. شایسته است برای خواندن این دعا نیز ابتدا تمجید و تمجید کرد. (تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ)

۳. در بهترین ماه و شب سال (ماه رمضان و شب قدر) و بلکه در همه حال، باید برای

امام زمان علیه السلام دعا کرد؛ چرا که او واسطه فیض و سبب اتصال زمین و آسمان است. (فی لَیْلَةٍ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.. وَ مَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ)

ورود این دعا در شب قدر اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر احیای شب قدر و سپری کردن آن با دعا و نماز و قرآن سفارش فراوان کرده‌اند. در حدیثی طولانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

حضرت موسی علیه السلام به خدا عرض کرد: «خدایا! مقام قربت را خواهانم». پاسخ آمد: «قُرْبِي لِمَنْ اسْتَيْقَظَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛ قرب من، برای کسی است که در شب قدر بیدار ماند». عرضه داشت: «پروردگارا! رحمتت را خواستارم». پاسخ آمد: «رَحْمَتِي لِمَنْ رَحِمَ الْمَسَاكِينَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛ رحمت من در ترحم بر مساکین در شب قدر است». گفت: «خدایا! جواز عبور از صراط می‌خواهم». پاسخ آمد: «ذَلِكَ لِمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛ رمز عبور از صراط، صدقه دادن در شب قدر است».

عرض کرد: «خدایا! بهشت و نعمت‌های آن را می‌طلبم». پاسخ آمد: «ذَلِكَ لِمَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ دست‌یابی به آن، در گرو تسبیح گفتن در شب قدر است». عرضه داشت: «پروردگارا! خواهان نجات از آتش دوزخم». پاسخ آمد: «ذَلِكَ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ رمز نجات از دوزخ، استغفار در شب قدر است». در پایان گفت: «خدایا! رضای تو را می‌طلبم». پاسخ آمد: «رِضَايَ لِمَنْ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ کسی مشمول رضای من است که در شب قدر نماز بگذارد».^۱

شاید رمز تقارن شب تقدیر بشر با شب نزول قرآن در آن باشد که سرنوشت بشر

وابسته به قرآن است. اگر انسان پیرو قرآن باشد، سعادت‌مند و رستگار خواهد شد و اگر دور از قرآن باشد، شقاوت و بدبختی برای او رقم خواهد خورد.

و چه زیباست اگر در شب نزول قرآن صامت، با دعا برای قرآن ناطق، بر بهره خود بیفزاییم؛ چراکه در روایات آمده است: «انجام کار نیک در شب قدر، بهتر از انجام آن در هزار ماه بدون شب قدر است» و چه کار نیکی بهتر از دعا برای امام زمان (عج)؟!

در شب قدر، سرنوشت همه انسان‌ها به محضر و امضای امام می‌رسد. پس شایسته است که انسان مؤمن، دعاهايش را به او اختصاص دهد؛ زیرا او صاحب شب قدر است. سید بن طاووس قبل از ذکر این دعا می‌گوید:

از وظایف هر شب روزه‌دار، آن است که ابتدا دعایش را با ذکر کسی آغاز کند که نائب خدا در میان بندگان و قیّم روزه‌گیران است و اعمالش را نیز به ذکر او ختم کند.^۱

آیت‌الله صافی نیز می‌نویسد: «از جمله وظایف مهم شب قدر، تجدید عهد با ولی‌امر و خواندن این دعاست».^۲

آنچه حائز اهمیت است، آن است که سفارش شده در میان اعمال فراوان شب قدر، این دعا در حالات مختلف، یعنی در قیام و قعود و... خوانده شود؛ دعایی که در حق امام زمان (عج) و واسطه همه فیض‌های جهان است. یعنی خدا را در بهترین شب، برای بهترین فرد و با بهترین عمل بخوانیم.

از دقت در سوره قدر می‌آموزیم که اولاً زمان‌ها یکسان نیستند؛ بلکه بعضی زمان‌ها بر

۱. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲. ماه مبارک رمضان، مکتب عالی اخلاق و تربیت، اثر آیت‌الله العظمی صافی ص ۷۴.

بعضی دیگر برتری دارد و ثانیاً برای امور مقدس، زمان مقدس انتخاب کنیم: ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾.

۴. ذکر این دعا در اعمال شب بیست و سوم هم اهمیت دارد. کسی از پیامبر ﷺ پرسید: «منزل ما از مدینه دور است. یک شب را به عنوان شب قدر معین فرمایید تا برای احیای آن، به شهر بیایم». حضرت فرمود: «شب بیست و سوم به مدینه بیا».^۱

امام صادق علیه السلام نیز در یکی از سالها در شب بیست و سوم ماه رمضان بیمار بودند، با این حال، از اطرافیان خواستند تا ایشان را به مسجد ببرند.^۲ هم‌چنین حضرت فاطمه علیها السلام در این شب با پاشیدن آب به صورت بچه‌ها، مانع خوابیدن آن‌ها می‌شدند.^۳ در روایات آمده است که پیامبر ﷺ در دهه آخر ماه رمضان، بستر خواب خود را جمع می‌کرد و آن ده شب را احیا می‌داشت.^۴

البته در این حدیث، لفظ شب آمده که روشن می‌سازد شب جایگاه ویژه‌ای در مسائل معنوی دارد. در این جا به چند مورد اشاره می‌کنیم تا قدر شب‌های عمرمان را بیش‌تر و بهتر بدانیم و آن را به غفلت نگذرانیم.

- خداوند برای اهدای تورات، حضرت موسی علیه السلام را به مناجات شبانه فراخواند:

﴿أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾.^۵

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۰۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۶۹.

۳. همان، ج ۹۴، ص ۱۰.

۴. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۸۷.

۵. سوره بقره، آیه ۵۱.

- قرآن، زمان مناسب برای استغفار را هنگام سحر معرفی می‌کند: ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾.^۱
- عروج پیامبر ﷺ به آسمان، به هنگام شب بود: ﴿أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾.^۲
- پیامبر ﷺ مأمور بود که مناجات و عبادات شبانه داشته باشد: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ﴾،^۳ ﴿قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾.^۴
- خداوند، عابدان در شب را ستایش می‌کند: ﴿يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ﴾^۵ و به تسبیح در شب سفارش می‌فرماید: ﴿وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾.^۶
- خداوند در قرآن، به زمان طلوع فجر و هنگام عصر یک‌بار سوگند یاد کرده است؛ ولی به زمان سحر، سه بار: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ﴾،^۷ ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ﴾،^۸ ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرَ﴾.^۹
۵. دعا کردن برای ولی نعمت و امام زمان ﷺ ساعت خاصی ندارد؛ بلکه باید تمام

۱. سوره ذاریات، آیه ۱۸.

۲. سوره اسراء، آیه ۱.

۳. سوره اسراء، آیه ۷۹.

۴. سوره مزمل، آیه ۲.

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۱۳.

۶. سوره انسان، آیه ۲۶.

۷. سوره تکویر، آیه ۱۷.

۸. سوره مدثر، آیه ۳۳.

۹. سوره فجر، آیه ۴.

لحظات را با یاد او باید سپری کرد. (و متی حضرک من دهرک)

تکرار این دعا در هر شبانه‌روز و در نمازها، شایسته و مناسب است. دعا کردن برای امام نباید موسمی باشد. نباید هر وقت گرفتار شدیم، یاد خدا و خلیفه او بیفتیم. ما هر وقت گرفتار می‌شویم، می‌گوییم: «یا الله!» وقتی کار ما به بیمارستان می‌افتد، وقتی مریض می‌شویم، وقتی زنی به اتاق زایمان می‌رود، «یا الله» می‌گوییم. پدرها و مادرها وقتی نوبت کنکور بچه‌ها می‌رسد، «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه» می‌گویند؛ ای کاش یکی از آن صلوات‌ها را قبلاً می‌فرستادیم!

قرآن از ما انتقاد می‌کند که چرا هر وقت گیر می‌کنیم، او را صدا می‌زنیم: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ﴾.^۱ همین که کشتی می‌خواهد غرق بشود، خدا را صدا می‌زنند، اما ﴿فَلَمَّا نَجَّاهُمْ﴾، وقتی نجات پیدا می‌کنند، خدا را فراموش می‌کنند. «یاد موسمی» مورد انتقاد است.

فرعون هم وقتی دید دارد غرق می‌شود، گفت: ﴿تُبْتُ الْآنَ﴾، خدایا! من الآن توبه کردم. اما خدا می‌فرماید: ﴿وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ﴾.^۲ آن‌هایی که دم مرگ می‌گویند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، توبه آن‌ها قبول نخواهد شد. توبه دقیقه آخر فایده‌ای ندارد.

ما هم وقتی یاد امام زمان (عج) می‌افتیم که گرفتار بشویم. اما باید همیشه به یادش باشیم، هر روز برایش صدقه بدهیم و برای سلامتی‌اش دعا کنیم.

باید توی خانه‌هایمان حداقل یک کتاب درباره امام مهدی (عج) برای هر گروه سنی داشته باشیم تا با حضرت بیش‌تر آشنا شویم، خودمان را برای رساندن به صف یاران آن

۱. سوره عنکبوت، آیه ۶۵.

۲. سوره نساء، آیه ۱۸.

امام آماده کنیم، با ادعیه مهدوی انس بگیریم، زیارت آل یاسین بخوانیم، در قنوت یا در تعقیبات نماز، «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» بخوانیم، صلوات را همراه با «عجل فرجه» بفرستیم و خلاصه همیشه به یاد حضرت مهدی علیه السلام باشیم.

برخی مقید هستند که در همه نمازهایشان با این دعا برای امام مهدی علیه السلام دعا کنند. درباره آیت الله بهاء الدینی رحمته الله نوشته اند که ایشان در قنوت نمازهایشان، دعا‌های مرسوم را می خوانند تا این که نوع دعا، کلمات و عبارات ایشان تغییر کرد و هرگاه دست های خود را مقابل صورت می گرفتند، برای حضرت مهدی علیه السلام این گونه دعا می کردند: «اللهم کن لولیك...». در فرصت مناسبی، علت تغییر دعا را از ایشان پرسیدند. معظم له در یک جمله کوتاه فرمودند: «حضرت پیغام دادند در قنوت به من دعا کنید».^۱

بررسی متون دعا

این دعا سه‌گونه نقل شده است؛ اما نقل‌ها اختلاف زیادی با هم ندارند، تنها برخی کلمات و جملات، اضافه یا متقدم یا متأخر شده‌اند. متن دعا‌های نقل شده به این شرح است:

۱. «اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا [عونا]، حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَ تَمَتِّعَهُ [تَمَكِّنَهُ] فِيهَا طَوِيلًا»^۱

پروردگارا! برای ولیّ خودت (حضرت حجت بن الحسن) در این ساعت و در تمامی ساعات، سرپرست و حافظ و پیشوا و یاور و راهنما و نگهبان باش؛ تا او را در حالی‌که مردم به او میل و رغبت دارند، بر روی زمین ساکن گردانی و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرمایی.»

۲. «اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْقَائِمُ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ

۱. کافی، ج ۴، ص ۱۹۲؛ مصباح المتعجل، ص ۶۳۰؛ المصباح، ص ۷۷۹ و مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۲.

الصلاة والسلام في هذه الساعة وفي كل ساعة ولياً وحافظاً وقائداً و ناصراً و دليلاً و مؤيداً، حتى تسكنه أرضك طوعاً و تمتعه فيها طولاً و عرضاً؛^۲

پروردگارا! برای ولیّات که قائم اوامرت است، حضرت محمد بن الحسن المهدي - که بر او و بر پدرانیش برترین سلامها و درودها باد - در این ساعت و تمامی ساعات، سرپرست و حافظ و پیشوا و یاور و راهنما و تأییدکننده باش تا او را در حالی که مردم به او میل و رغبت دارند، بر روی زمین ساکن گردانی و او را در طول و عرض آن بهره‌مند گردانی.»

۳. «اللهم يا ذا المجد الشامخ و السلطان الباذخ، صلّ على محمد و آل محمد و كن

۱. در نسخه‌های اصلی دعا، واژه «قائداً» آمده است و احتمال دارد که از سوی کاتبان یا ناشران، اشتباه و تصحیفی صورت گرفته و قائم به قاعد تغییر یافته است. البته برخی معتقدند که این واژه صحیح است و جوهی را برای آن یادآور شده‌اند:

الف: احتمال دارد که این واژه از عبارت «فلان أقعد من فلان» به معنای «قرب منه» گرفته شده باشد. عرب می‌گوید: «هو أقعدهم، أى: أقربهم إلى الجذ الأكبر» و در مقابل، وقتی می‌گوید: «هو أطرفهم أو أسفلهم» به معنای «أبعدهم منه» است. بنابراین طبق این بیان، «قاعداً» یعنی «قريباً». پس معنا چنین می‌شود: «پروردگارا! آن حضرت را در مقام قرب خود جای ده.»

ب: احتمال دارد که این واژه، مشتق از «قاعده» و به معنای اساس و پایه باشد. در این صورت، کنایه از مأمن و تکیه‌گاه است و این وجه، بهتر از وجه اول به نظر می‌رسد.

ج: گاهی در لغت، «قعيد» را به معنای «أب» یعنی پدر گرفته‌اند. مصراع جناب فرزدق هم در این باره مشهور است که می‌گوید: «قعيدكم الله الذي أنتم له». با توجه به این معنا، این بخش از دعا کنایه از حصانت، حفاظت و حمایت الهی از آن حضرت است.

د: مفسران در تفسیر آیه شریفه ﴿عن اليمين و عن الشمال قعيد﴾ «قعيد» را به معنای حافظ و نگه‌دارنده گرفته‌اند. احتمال دارد که «قاعداً» هم به همین معنا باشد. فصلنامه انتظار، ش ۱۶، ص ۲۷۴.

۲. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۹۱، فصل فيما نذكره مما يختتم به كل ليلة من شهر الصيام.

لَوْلَيْكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْمَهْدِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا
وَدَلِيلًا وَعُونًا وَعِينًا وَمَعِينًا حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَتَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا؛^۱

پروردگارا! ای صاحب شکوه و عظمت بلندمرتبه و سلطنت والا! بر محمد و آل محمد
درود فرست و برای ولیّ و فرزند ولیّ خود، محمد بن الحسن المهدی، در این ساعت،
سرپرست و حافظ و پیشوا و یاور و راهنما و مددکار و نگهبان و کمک‌رسان باش، تا او
را درحالی‌که مردم به او میل و رغبت دارند، بر روی زمین ساکن گردانی و بهره‌مندی او را
طولانی فرمایی.»

۱. منهاج العارفين، ص ۱۳۰ و صحیفه مهدیه، ص ۳۱۸.

شرح عبارات دعا اللَّهُمَّ

در ابتدای دعا از خدا با لفظ «اللهم» مدد می‌گیریم. «اللهم» در اصل «یا الله» است و ندا محسوب می‌شود. «الله» لفظ خاصّ خداست و همه صفات او را در بر می‌گیرد. آغاز هر کاری با یاد و نام پروردگار متعال، آثار و برکات فراوانی دارد. وقتی دعاکننده، اول نام خدا را می‌گوید، نشان می‌دهد که ذات بی‌همتای الهی را مسبب تمام امور می‌داند و تنها از او استعانت می‌جوید. اولین دستوری هم که پیامبر ﷺ از جانب خداوند دریافت کرد، این بود که پیام و سخنش را با نام خدا شروع کند: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ؛^۱» «بخوان به نام پروردگارت که آفرید».

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

کان رسول الله یجهر ببسم الله الرحمن الرحیم و یرفع صوته بها؛^۲
پیامبر همواره نام خدا را آشکارا بیان می‌کرد و آن را با صدای بلند بر زبان جاری می‌نمود.

۱. سوره علق، آیه ۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۸۲.

نامه‌های پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام با نام خدا شروع می‌شده است. حضرت سلیمان علیه‌السلام برای دعوت «بلقیس»، ملکه سبأ، به پرستش خدای یگانه، نامه‌ای را توسط هدهد برایش فرستاد که آغازش با نام خدا بود: «اِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ اِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ»^۱. سوره‌های مبارک قرآن، همه با نام خدا آغاز می‌شوند؛ غیر از سوره توبه که به خاطر لحن تند و خطاب معترضانه به کفار، «بسم الله» ندارد؛ زیرا نام خدا که نشانه رحمت است، با اعلام برائت مناسبت ندارد.

لذا باید یاد گرفت که در شروع کارها فقط نام خدا را به زبان آورد و در کنار نام خدا، نام دیگری را شریک نساخت. پس کسانی که به نام خدا و سلاطین، یا به نام خدا و خلق او کاری را شروع می‌کنند، هر دو مشرک‌اند.

شهید مطهری رحمه‌الله در این باره ذیل تفسیر سوره اعلی چنین نوشته است: «شروع کردن با نام غیرخدا، کفر، و با نام خدا و غیرخدا، شرک است. بلکه توحید در شروع کارها با نام خداست.^۲ چنان‌که فرمود: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلٰی﴾؛^۳ «نام پروردگار بلند مرتبه‌ات را منزّه دار» و ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذٰی الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ﴾؛^۴ «پروردگار تو که صاحب عزت و کرامت است، نامش بابرکت است».

با توجه به آیات مختلف قرآن روشن می‌شود که یادآوری نام خدا منحصر در گفتن و خواندن نیست؛ بلکه در مسائلی هم چون ذبح و شکار نیز باید نام خدا را بر زبان جاری

۱. سوره نمل، آیه ۳۰.

۲. قرآن و تبلیغ، ص ۱۰۲.

۳. سوره اعلی، آیه ۱.

۴. سوره الرحمن، آیه ۷۸.

ساخت تا آن طعام برای پرورش جسم، مناسب و حلال شود و اگر کسی عمداً نام خدا را بر زبان جاری نکند، آن غذا حرام می‌شود.^۱

به عنوان مثال در قرآن آمده است: ﴿فَكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ﴾؛^۲ «پس شما ای مؤمنان! اگر به آیات خدا ایمان دارید، از آنچه نام خدا بر آن یاد شد بخورید» و یا ﴿وَلَا تَكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكُرْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾؛^۳ «و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید.»

همان‌گونه که یادآوری نام خدا بر غذای جسم مهم است، ذکر نام خدا در دعا - که غذای روح است - نیز اهمیت بسیار دارد. دعاکننده با گفتن «اللهم» در آغاز دعا، احساس نیاز و فقر خود را به خدا ابراز می‌کند. شروع دعا به این سبک بسیار زیباست. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾؛^۴ «ای مردم! این شما هستید که به خداوند نیاز دارید و [تنها] خداوند، بی‌نیاز و ستوده است.»

پیام‌های این آیه عبارت است از:

۱. هیچ کس از خدا بی‌نیاز نیست. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾
۲. همه موجودات در مقابل خدا فقیرند؛ لیکن انسان چون ادعا و سرکشی می‌کند، مورد خطاب آیه قرار گرفته است. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾
۳. نقش واسطه‌ها و وسائل و علل را قبول داریم، اما تمام اسباب و علل نیز در

۱. رساله امام خمینی رحمته الله علیه، مسأله ۲۵۹۴.

۲. سوره انعام، آیه ۱۱۸.

۳. سوره انعام، آیه ۱۲۱.

۴. سوره فاطر، آیه ۱۵.

تأثیر گذاری به خدا محتاج‌اند. ﴿هُوَ الْغَنِيُّ﴾

۴. غنی واقعی و مطلق و کامل، تنها خداست. ﴿وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ﴾

۵. معمولاً اغنیا محبوب نیستند و در تیررس جسارت‌ها، حسادت‌ها، رقابت‌ها و

سرقت‌ها قرار دارند؛ اما خداوند، غنی حمید است. ﴿وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾

۶. خداوند غنای خود را در راه رفع نیاز و نفع رساندن به مخلوقات به کار می‌برد؛ لذا

مورد ستایش است. ﴿الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾

باید دانست که دعوت خدا از مردم، به خاطر نیاز او به مردم نیست. همان‌گونه که اگر

بگوییم مردم خانه‌های خود را رو به خورشید بسازند، این دعوت، نشانه نیاز خورشید به

ما نیست؛ بلکه نشانه نیاز ما به نور است. یکی از راه‌های مبارزه با غرور و تکبر، دعوت

انسان به درگاه خداست تا انسان به ضعف و جهل و فقر و نیاز خود پی ببرد.

برخی سؤال می‌کنند که چرا دعاها با «بسم الله» شروع نشده است، با این‌که «بسم الله»

تابلوی رحمت الهی است؟ چرا ادعیه اهل بیت علیهم‌السلام عصمت و طهارت، همانند دعای کمیل،

جوشن کبیر، دعا‌های صحیفه سجادیه و یا همین دعا با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع

نشده است؟

البته باید توجه داشت که این مطلب دلالت ندارد که ما در خواندن این ادعیه نمی‌توانیم

با «بسم الله» آغاز نکنیم؛ بلکه می‌توانیم «بسم الله» را به قصد رجاء و ثواب بگوییم.

پاسخ آن است که معنای شروع کار به نام خدا این نیست که خصوص لفظ «بسم الله»

ذکر شود؛ بلکه هر چه سبب یاد خداوند شود، کافی است. چراکه مهم، یاد خداست و لفظ

«اللهم» نیز که حاکی از نام و یاد خداست، کفایت می‌کند. بر این اساس، برخی از ادعیه

به جای کلمه «بسم الله» با تحمید، تسبیح یا تکبیر آغاز می‌شود و در همه این موارد،

توجه به اسمی از اسمای الهی صورت گرفته است.

هیچ دعایی نیست که بدون نام خدا شروع شده باشد. همین دعای سلامتی نیز با نام خدا شروع شده؛ چون به نام «الله» آغاز گشته است و مشمول این حدیث نخواهد بود: «هر کاری که با نام خدا شروع نشود، ابتر و بی نتیجه خواهد ماند».^۱

بنابراین شروع با نام خدا در هر کاری شایسته است و از آنجا که مؤثر واقعی در هر کاری خداست و توفیق در هر عملی بستگی تمام به خواست او دارد، باید همه کارها را با نام او آغاز کرد تا بدین ترتیب، پشتوانه الهی و تأثیری مثبت پیدا کند.

کُنْ

«کُنْ» فعل امر از باب «كَانَ يَكُونُ» و به معنای «باش» است. این کلمه بیانگر درخواست ما از خدای متعال است. یعنی از خداوند متعال می خواهیم که باشد. چه باشد؟! برای که باشد؟! فقرات بعدی بدان اشاره می کند: «وَلِيًّا وَ حَافِظًا...». این عبارات، خبر فعل «کُنْ» است و درخواست های دعاکننده را شامل می شود. این شش کلمه و درخواست، همه یک حقیقت را دنبال می کنند و آن طلب سلامتی امام زمان علیه السلام و عنایت خدا به ایشان است. این نوع درخواست به دلیل آن است که خداوند متعال، غنی مطلق است و با هر که باشد، او را بی نیاز می کند.

خواندن خدا و خواستن از او با این گونه الفاظ و به این سبک، در دعا های دیگر نیز وارد شده است.^۲ این گونه درخواست در دعا های دیگر، هم در حق خود و هم در حق

۱. بحار/الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۴۲.

۲. این لفظ یادآور آیه ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾ در قرآن است که هشت مرتبه آمده و رمز قدرت مطلقه الهی است. قدرت خداوند همراه با حکمت او اعمال می شود. با این که خداوند می تواند با یک اراده، آسمان ها و ←

دیگران، به خصوص در حق ولیّ زمان وجود دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

الف) در حق خود

- «اللّٰهُمَّ کن لی عوناً و معیناً؛^۱ پروردگارا! برای من کمک و یاور باش».

- «اللّٰهُمَّ کن لی ولیّاً و حافظاً و ناصرّاً و معیناً؛^۲ پروردگارا! برای من، ولیّ، حافظ، ناصر

و یاور باش».

- «اللّٰهُمَّ کن بی حفیّاً؛^۳ خدایا! پشتیبان من باش».

- «اللّٰهُمَّ کن لی جارّاً من کلّ جبار عنید؛^۴ خدایا! در برخورد با هر دشمن ستم‌گری

همراه من باش».

ب) در حق دیگران

- «اللّٰهُمَّ کن الطالب لها ممّن ظلمها و استخفّ بحقّها؛^۵ پروردگارا! طالب حق او

(حضرت زهرا علیها السلام) باش از کسانی که به او ظلم کردند و حقش را سبک شمردند».

➔ زمین و آنچه را که میان آن‌هاست خلق کند و با ذکر آیه «كُنْ فَيَكُونُ» از این قدرت سخن به میان آورده است، ولی آفرینش آسمان‌ها و زمین را در چند مرحله انجام داده و این، نشان‌گر آن است که اعمال قدرت باید همراه با مصلحت باشد و مصلحت آفرینش، ایجاد در چند مرحله بوده است.

۱. العدد القویه، ص ۲۶۴ و بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۲۷۰.

۲. فقه الرضا علیه السلام، ص ۴۰۴ و بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۱۳.

۳. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۷۶ و بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۲۴۶.

۴. کافی، ج ۴، ص ۲۸۴؛ تهذیب، ج ۵، ص ۵۰؛ المصباح، کفعمی، ص ۱۸۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۸۳؛

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۳۶ و ج ۹۷، ص ۱۶۰.

۵. مصباح المتجهّد، ص ۳۹۹؛ جمال الاسبوع، ص ۴۸۶ و بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۷۴.

«اللّٰهُمَّ كُنْ أَنْتَ الشَّهِيدَ عَلَيَّهِمْ»^۱ پروردگارا! شاهد بر اعمال آنان باش.»

«اللّٰهُمَّ كُنْ لَنَا وَلا تَكُنْ عَلَيْنَا»^۲ پروردگارا! برای ما باش و علیه ما مباش.»

(ج) در حق صاحب الزمان علیه السلام

«اللّٰهُمَّ كُنْ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَوْنًا...»^۳ خدایا! یاور امام مهدی علیه السلام باش.»

«اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فِي خَلْقِكَ وَلِيًّا»^۴ پروردگارا! خلیفه خودت را سرپرست باش.»

به راستی چرا برای امام از خداوند متعال این گونه درخواست می شود؟ به عبارت

دیگر، خدای متعال که ولیّ و حافظ اوست؛ پس چرا باید دعا کنیم؟!

این دعا، درخواست نزول انواع خیرات و برکات (ولایت، حفاظت، نصرت و...) بر

حضرت حجت علیه السلام است و یکی از حکمت های این درخواست، آن است که این دعاها

شامل خود ما نیز می شود، زیرا:

۱. دعا برای نزول برکات بر آن حضرت، درخواست افاضه به ما از طریق ایشان است.

یعنی وقتی حضرت سالم و پا برجا باشد، همه هستی، سالم و ثابت است؛ چراکه ایشان

واسطه فیض است.

۲. دعا برای حضرت، باعث دعای حضرت برای نزول همان برکات بر ماست. آیا

می شود شما برای حضرت دعا کنید و خودتان بی بهره بمانید؟! هرگز!

در حقیقت، اگرچه حضرت مهدی علیه السلام بهترین خلق خداوند متعال و در بالاترین مراتب

۱. الامالی، صدوق، ص ۱۶۲ و بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۵۲.

۳. همان، ج ۹۹، ص ۲۵۸.

۴. همان، ج ۸۶، ص ۳۴۰.

وجود است، ولی ادب دعا اقتضا می‌کند که بهترین چیزها را برای بهترین فرد هستی بخواهیم و به جهت رعایت این نکته و سایر آداب دعا، تنها خواسته ما متوجه یوسف زهراست.

لَوَلِيَّكَ

«ولی» به معنای سرپرست است. لام در «لَوَلِيَّكَ» لام اختصاص خوانده می‌شود و حرف کاف در این کلمه نیز اشاره به خداوند متعال دارد. پس «لَوَلِيَّكَ» یعنی «آن آقا و سرپرستی که تو قرار دادی و منصوب کردی». به عبارت دیگر، ولایت حضرت مهدی علیه السلام از جانب خداست و خدای متعال، آن حضرت را به امامت منصوب فرموده است.

این ولی، همان شخصی است که اطاعتش در آیه اولوالامر واجب شمرده شده است:

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱

«ولی» در لغت به معنای نزدیک، قریب و مباشر است.^۲ چنان‌که در عرب می‌گویند: «تباعنا بعد ولی»؛^۳ یعنی بعد از نزدیک بودن، دور شدیم. بنابراین درباره دو چیز بسیار نزدیک به هم، به گونه‌ای که هیچ فاصله‌ای بین آنها نباشد، از این لفظ استفاده می‌شود. ولی خدا، یعنی کسی که قرین خداست و بین او و خدا مانع و فاصله‌ای نیست. بر این اساس، او برترین مخلوق خداوند، و از همه به او نزدیک‌تر است.

«ولی» در اصطلاح متون دینی و اسلامی، براساس آیات و روایات، خصوصاً واقعه

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

۲. «الواو واللام والياء أصل صحيح يدل على قرب، من ذلك الولي: القرب... و الباب كله راجع إلى قرب». معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۱.

۳. قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۴۵.

غدیر خم و حدیث «من كنت مولاة فهذا عليّ مولاة» به معنای سرپرست آمده است.^۱

معصومان عليهم السلام هم خود و هم جانشینان خود را با این کلمه معرفی نموده‌اند. مثلاً امام رضا عليه السلام در دعا برای فرزندش امام مهدی عليه السلام عرضه می‌دارد: «اللّهم ادفع عن وليّک...»^۲

خلاصه آن‌که ولیّ در اصطلاح به معنای سرپرست، و در لغت به معنای دو چیزی است که آن‌چنان به هم نزدیک هستند که هیچ فاصله‌ای بین آن‌ها نیست. لذا خداوند، ولیّ مؤمنان است و آن‌ها هم ولیّ خدایند. همان‌طور که در آیات قرآن کریم می‌خوانیم: «اللّهُ وَلِيّ الَّذِينَ آمَنُوا»^۳ و «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ...»^۴

ولایت بین امام و خداوند متعال، دو سویه است؛ امام با خدا قرب، پیوند و اتصال دارد و از او تأثیر و تأثر می‌پذیرد. خدا هم ولیّ و نزدیک امام است، اما در پی این قرب، تنها تأثیر می‌گذارد و تأثیرپذیر نیست.

الْحَجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ عليه السلام

این بخش در برخی از متون با لفظ «فلان بن فلان»^۵ و در برخی دیگر به اسم خاص

۱. علامه امینی در *الغدیر* (ج ۱، ص ۳۶۹) بحث مفصّلی در مورد این مسأله ذکر کرده و علامه محسن علی بلستانی کتاب مستقلی در این باره با عنوان *النهج السوی فی معنی المولی و الولی* نوشته که جناب آقای سیدمرتضی موسوی گرمارودی آن را ترجمه کرده و بنیاد بین‌المللی غدیر آن را به چاپ رسانده است.

۲. *مصباح المتعجّد*، ص ۴۰۹.

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۷.

۴. سوره یونس، آیه ۶۲. و چه زیباست که امام صادق عليه السلام با استناد به این آیه شریفه می‌فرماید: «خوشا به حال پیروان امام قائم عليه السلام که در غیبتش منتظر ظهور، و به هنگام ظهورش، مطیع فرمان اویند. آن‌ها اولیای خدا هستند، نه ترسی دارند و نه غمی». *کمال الدین*، ج ۲، ص ۱۷۶ و *نور الثقلین*، ج ۲، ص ۳۰۹.

۵. در کتاب *تهذیب* این عبارت آمده، اما در پاورقی تصریح شده است: «به جای فلان بن فلان بگو: الحجة بن الحسن». گفتنی است که در برخی از روایات، «فلان بن فلان» به جای نام حضرت نشسته عليه السلام

حضرت آمده است. با توجه به این که برخی از علمای شیعه، تصریح به اسم خاص امام زمان علیه السلام را جایز نمی‌دانند،^۱ درباره لقب «حجة بن الحسن» به طور مختصر توضیح می‌دهیم.

حجت به معنای دلیل و برهان است. این واژه در چند جای قرآن کریم به کار رفته^۲ و در لسان قرآن عبارت است از هر چیزی که خداوند متعال، به وسیله آن، بر بندگان خویش احتجاج کند، عقاب و ثواب خود را با آن تحکیم بخشد و راه هرگونه عذر و بهانه را به واسطه آن کاملاً ببندد.

حجت و دلیل نزد خداوند بسیار مهم است. مثلاً اگر کسی بیمار شود و به دکتر مراجعه کند و دکتر به او بگوید که فلان دارو را بخور؛ او هم آن را بخورد و اتفاقاً دارو اشتباه بوده باشد و فرد بمیرد، با این که در اثر آن دارو مرده است، اما در روز قیامت روسفید خواهد بود. چرا؟! برای این که حجت دارد. اگر گفتند: چرا این دارو را خوردی؟ می‌گوید: دکتر

➔ (رک: اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۹۶، ح ۲۱) و در داستان «زخمی از صفین» نیز امام، خود را با همین کلمه معرفی فرموده است.

لذا برخی احتمال داده‌اند که این دعا برای امام هر عصری باشد، همان طور که در خصوص برخی از دعاها این احتمال داده شده است. مثلاً در معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام (ج ۴، ص ۱۷۴) درباره دعای امام رضا علیه السلام (اللهم ادفع عن ولیک و خلیفتک...) آمده است: «الظاهر أنّ هذا الدعاء و بعض الأدعیه الأخری المروی أنّها لصاحب الأمر یقصد بها الإمام المفترض الطاعة فی کلّ عصر فهی أيضاً تشمل إمام عصرنا صاحب الأمر المهدي أرواحنا فداء».

چنان که این احتمال را بپذیریم، در اصل مقصود هیچ تفاوتی نمی‌کند؛ زیرا امام مهدی علیه السلام امام حاضر در این زمان به شمار می‌آید و این دعا، تنها درباره ایشان است.

۱. رک: فصل نامه انتظار، ش ۶، ص ۱۶۰، مقاله آقای نجم الدین طبسی.

۲. سوره نساء، آیه ۱۶۵ و سوره مائده، آیه ۱۴۹.

گفت. وقتی دکتر بگوید، ولو اشتباه گفته باشد، حجت دارد، روسفید است.

اما اگر آدمی که پزشک نیست بگوید این دارو را بخور، مریض هم آن دارو را بخورد و اتفاقاً خوب بشود، چون حجت ندارد، کار اشتباهی کرده است. یعنی گاهی وقتها آدم می‌میرد، اما روسفید است و گاهی حیات دارد، اما روسیاه است.

بارزترین این حجت‌ها انبیا و امامان علیهم‌السلام هستند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ»؛^۱ «ما پیغمبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده قرار دادیم تا برای مردم در پیشگاه خداوند [برای کوتاهی و قصورشان] حجتی نباشد».

در روایات بسیاری آمده است که خداوند متعال هیچ‌گاه زمین را از حجت خود (پیامبر یا امام معصوم) خالی نمی‌گذارد؛ هرچند در پس پرده غیبت باشد و دیدگان مردم، او را نبینند. در برخی اخبار آمده است: «اگر به فرض، تنها دو نفر روی زمین باشند، یکی از آن دو حتماً امام دیگری است».^۲ لذا امام، حجت الهی است و به همین دلیل، در دعای معرفت عرضه می‌داریم: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِن لَّمْ تَعْرِفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَن دِينِي»؛^۳ پروردگارا! حجت را به من معرفی فرما؛ چراکه اگر حجت تو را نشناسم، در دینم گمراه می‌شوم».

لفظ شریف «حجت» از القاب خاصه امام زمان علیه‌السلام هم هست. هنگامی که «حجت» یا «حجت الله» گفته می‌شود، ذهن‌ها و فکرها به یاد آخرین حجت الهی منصرف می‌گردد.

۱. سوره نساء، آیه ۱۶۵.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۸.

در بسیاری از ادعیه، زیارات و روایات نیز با همین لقب نورانی از آن حضرت یاد می‌شود. نقش انگشتی ایشان هم «أنا حجة الله» و به روایت دیگری «أنا حجة الله و خالصته»^۱ است.

آری! او حجت الهی و آخرین حجت پروردگار عالمیان و فرزند یازدهمین پیشوای برحق، امام حسن عسکری علیه السلام است. این مولود گرامی در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری پا به عرصه وجود گذاشت و جهان را با نور خود منور کرد. روایاتی وجود دارد که متولد شدن آن امام را تأیید می‌کنند؛ از جمله حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام می‌گوید:

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام کسی را به دنبال من فرستاد و به من فرمود: عمه جان! امشب که شب نیمه شعبان است، افطار نزد ما باش. به درستی که خدای تبارک و تعالی، امشب حجت را ظاهر می‌سازد و او حجت پروردگار بر روی زمین است...^۲

صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْ آبَائِهِ

از وظایف و تکالیف منتظران آن حضرت، درود فرستادن بر ایشان است.^۳ با توجه به آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...﴾^۴ روشن می‌شود که:

الف) هرگاه صلوات فرستادن به خداوند متعال نسبت داده شود، به معنای فرستادن

۱. نجم الثاقب، ص ۶۸، لقب ۳۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۴ و بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲.

۳. رک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۷۳، وظیفه چهل و یکم.

۴. سوره احزاب، آیه ۵۶.

رحمت و هرگاه به فرشتگان و مؤمنان منسوب گردد، به معنای طلب رحمت است.^۱
 (ب) از تعبیر «يُصَلُّونَ» که فعل مضارع و دلیل بر استمرار است، فهمیده می‌شود که خداوند متعال، همیشه و پیوسته بر پیامبر ﷺ رحمت و درود می‌فرستد.^۲
 بنابراین، صلوات الهی بر امام مهدی ﷺ و پدران گرامی ایشان، به معنای فرستادن رحمت و برکت بی‌کران بر آنان است.

در دعای عهد نیز مشابه همین کلام را عرضه می‌داریم: «صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین»^۳ و چه زیباست که در دعای عهد از خداوند متعال می‌خواهیم که از جانب همه مردان و زنان مؤمن، در مشرق و مغرب زمین، در کوه و صحرا و دشت و دریا و از جانب دعاکننده و پدر و مادر او، به وسعت و اندازه عرش و کلمات الهی و به قدر آنچه بر آن احاطه دارد (یعنی بی‌نهایت) بر آن حضرت صلوات بفرستد.

در دعای افتتاح نیز از خداوند می‌خواهیم: «اللَّهُمَّ و صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ». در دعای روز عید فطر عرضه می‌داریم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُنْتَظَرِ». در پگاه هر جمعه در دعای ندبه از پروردگار متعال می‌خواهیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَجَّتِكَ وَ وَلِيِّ أَمْرِكَ». در دعای صلوات هم می‌گوییم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ».^۴

صلوات فرستادن خدا بر امام مهدی ﷺ واضح است؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید که خداوند جدا از فرشتگان بر مؤمنان صلوات می‌فرستد: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ

۱. المفردات، ذیل واژه صل.

۲. رک: تفسیر نمونه، ذیل آیه شریفه و الأنوار الساطعة فی شرح زیارة الجامعة، ج ۵، ص ۵۲۷.

۳. در کتاب شرح دعای عهد، راجع به صلوات بر امام مهدی ﷺ مطالب مفیدی ذکر شده است.

۴. مصباح المتجهد، ص ۴۵ و صحیفه مهدیه، ص ۳۸۸.

لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛^۱ «او کسی است که با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی برآورد».

درود الهی بر معصوم نیز رحمت به شمار می‌آید؛ زیرا او نیز محتاج رحمت الهی است. از مرحوم طباطبایی رحمته الله سؤال کردند که «معصوم به درود و صلوات نیازی ندارد، پس چرا باید بر او صلوات بفرستیم؟». ایشان فرمودند:

«صلواتی که ما می‌فرستیم، اولاً از خودمان چیزی اهدا نمی‌کنیم؛ بلکه به خدا عرض می‌کنیم و از او می‌خواهیم که بر پیامبر و خاندانش علیهم‌السلام رحمت ویژه بفرستد. ثانیاً گرچه این خاندان نسبت به ما محتاج نیستند، ولی به ذات اقدس اله نیازمندند و باید دائماً فیض الهی بر آنان نازل شود.

ما با این صلوات، خود را به این خاندان نزدیک می‌کنیم. مانند آن‌که باغبانی که در باغی که همه گل‌ها و میوه‌هایش ملک صاحب باغ است، کار می‌کند و از صاحب باغ حقوق می‌گیرد، روز عید یک دسته گل از باغ تهیه کند و به حضور صاحب باغ ببرد. آیا عمل او موجب تقرب به صاحب باغ می‌شود یا نه؟ مسلماً می‌شود. این عمل نشانه ادب باغبان است.

صلوات هم ادب ما را ثابت می‌کند و الاً ما که از خودمان چیزی نداریم؛ بلکه از ذات اقدس اله مسئلت می‌کنیم که بر مراتب و درجات این بزرگواران بیفزاید، و همین عرض ادب برای ما تقرب است».^۲

لازم به ذکر است از عبارت «و علی آبائه» به دست می‌آید که در درود فرستادن بر

۱. سوره احزاب، آیه ۴۳.

۲. توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها در محضر آیت‌الله جوادی آملی، ص ۷۸.

امام مهدی علیه السلام نباید از آبا و اجداد ایشان غافل شد. آن حضرت در حقیقت، ادامه خط رسالت و ولایت است. در دیدگاه اسلام سابقون سابقون دارای ارزش و مقام والایی هستند: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾^۱.

درود فرستادن بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام، شعار اسلام و به خصوص، شیعه است و نماز بدون آن، مقبول نیست. اسرار، آثار و فواید صلوات، خصوصاً در مقام دعا بسیار است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

دعا و حاجت خود را همراه با صلوات کنید. زیرا صلوات، دعایی مستجاب است و خدای سبحان چنین نیست که یکی از دو حاجت را برآورد و دیگری را رد کند.^۲

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس بر من یک بار صلوات فرستد خدا بر او ده بار درود خواهد فرستاد و نیز ده خطا را از او بر طرف خواهد ساخت و ده درجه او را بالا خواهد برد.^۳

صلوات، کلید استجابت دعا و سبب سنگین شدن اعمال نیک مؤمن در میزان قیامت است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

من لم یقدر علی ما یکفر به ذنوبه فلیکثر من الصلوات علی محمد و آل محمد فانها تهدم الذنوب ذنباً؛^۴ هر فردی که نمی‌تواند کفاره گناهانش را بپردازد، زیاد صلوات بفرستد؛ زیرا صلوات گناهان را نابود می‌کند.

۱. سوره واقعه، آیه ۱۰.

۲. سفینة البحار، ج ۲، ص ۶۶۲.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۷۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۴۷.

پیامبر ﷺ نیز فرمود: «صلوات فرستادن بر من، سبب نورانیت قبر می‌شود».^۱ ایشان در حدیث دیگری فرموده است: «صلوات شما بر من، سبب استجابت دعا و رضایت پروردگار و پاکی و رشد اعمالتان می‌شود».^۲ در روایاتی آمده است که هر کس بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستد، خدا و فرشتگان هم بر او صلوات می‌فرستند و در روز قیامت، از نزدیک‌ترین افراد به پیامبر ﷺ است.^۳

اما یکی از رازهای فواید صلوات آن است که وقتی رحمت به حضرت نازل شود، به دیگران هم می‌رسد؛ چون او مجرای فیض است و اگر بخواهد خیری به دیگران برسد، باید نخست بر ایشان - که رحمت خاصه است - نازل شود و سپس به دیگران برسد.

مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله در این باره فرموده‌اند:

معنای صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام این است که خدایا رحمتت را برای آنان فرو فرست تا از آنان به ما برسد. اگر بخواهد رحمتی ببارد، ابتدا بر این خاندان می‌بارد و سپس به دیگران می‌رسد. بنابراین، طلب رحمت، مستلزم اجابت این دعاست.^۴

این فراز از دعا صلواتی است که موجب نزول رحمت الهی بر امام زمان علیه السلام می‌شود و آثار آن متوجه جهانیان نیز می‌شود؛ همان‌طور که در زیارت سرداب مقدس نیز آمده است:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةَ تَظْهَرُ بِهَا حُجَّتُهُ وَ تَوْضَحُ بِهَا بَهْجَتُهُ وَ تَرْفَعُ بِهَا

۱. همان، ج ۹۴، ص ۷۰.

۲. همان، ج ۹۱، ص ۶۴.

۳. همان.

۴. توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، در محضر آیت الله جوادی آملی، ص ۹۶.

درجته و تَوَيْدَ بها سلطانه و تعظّم بها برهانه و تشرّف بها مکانه و تعلّى بها بنیانه و تعزّ بها نصره و ترفع بها قدره و تسمى بها ذکرة و تظهر بها کلمته و تكثر بها نصرته و تعزّ بها دعوته و تزیده بها إکراماً و تجعله للمتّقین إماماً و تبلّغه فی هذا المكان مثل هذا الأوان و فی کلّ مکان منّا تحيّةً و سلاماً لایلی جدیده؛^۱ بارالها! آن‌طور بر او درود فرست که حجت و دلیلش را آشکار، و شادمانی و تازگی‌اش را نمایان گردانی و درجه‌اش را بالا ببری و سلطنتش را تأیید و تقویت کنی و دلیل و برهانش را معظم و جایگاهش را شریف، و اساس و بنیان او را بلند مرتبه، و یاری او را کامل و بزرگ گردانی و ارزش او را بیش‌تر کنی و یادش را نمودار، و کلمه‌اش را آشکار گردانی؛ هم‌چنین درود تو باعث افزایش یاری‌اش، عزت‌مندی دعوتش، افزایش کرامتش و پیشوا شدن او برای پرهیزگاران شود. در این جا و این لحظه و در هر جای دیگری از ما به او سلام و احترام ویژه‌ای برسان که جدید آن، کهنه نگردد.

جمع آمدن لفظ «صلوات» و تکرار حرف اضافه «علی» در این فراز (صلواتک علیه و علی آبائه) بی حکمت نیست. در ادبیات عرب آمده است: «تکرار حرف جر در حکم تکرار عامل است». یعنی دعاکننده، یک‌بار رحمت‌های الهی را برای امام مهدی علیه السلام می‌خواهد و دوباره با تکرار لفظ «علی» این رحمت‌های را برای آبا و اجداد ایشان نیز طلب می‌کند.

در صلوات بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام واژه صلوات مفرد است و لفظ «علی» تکرار نمی‌شود؛ یعنی می‌گوییم: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد». اما در این دعا تمام رحمت‌های الهی یک‌بار برای امام حیّ و حاضر، و یک‌بار برای معصومین قبلی علیهم السلام

درخواست می‌شود.

با توجه به این‌که هر امامی وظیفه خاص و معینی بر عهده داشته و این تنوع وظایف، تنوع رحمت‌ها، برکت‌ها و فیض‌ها را می‌طلبد، دعاکننده با گفتن لفظ جمع صلوات، تمام آن‌ها را برای امام مهدی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام خواهان و خواستار می‌شود.

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ

در این بخش، دعاکننده از پروردگار متعال، سلامتی و نصرت امام زمان علیه السلام را در لحظات شیرین و معنوی دعای خود و سایر ایام طلب می‌کند و در حقیقت، متوجه افق وسیع‌تری می‌شود و می‌گوید: «پروردگارا! در همه ساعات، زمان‌ها، دوران و لحظات، سلامتی، نصرت، حمایت و لطف بی‌کرانت را شامل حال آخرین امام بگردان».

«فی هذه الساعة» در این دعا، به شب قدر و شب نزول برکات، خیرات و مقدرات اشاره دارد و عبارت «فی کل ساعة» بیانگر وظیفه همیشگی منتظر، یعنی توجه و دعای همیشگی برای امام زمان علیه السلام است. دعاکننده ضمن توجه به زمان حالش، به آینده نیز توجه دارد.

وقتی انسان با دریای رحمت الهی آشنا می‌شود و وسعت کرم و لطف او را مشاهده می‌کند، درخواست و تمنایش نیز وسیع می‌گردد. بنابراین در ادعیه و زیارات، الفاظی مثل کثیراً، متتابعاً، سرمداً، دائماً، ابداً و... بسیار به چشم می‌آید.^۱ هم‌چنین نه تنها از جانب خود دعا می‌کند، بلکه با ایمان به رحمت الهی عرضه می‌دارد:

اللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا... عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ
و مغاربها، سهلها و جبلها... من الصلوات زنة عرش الله و مداد كلماته و ما

أحصاه علمه و أحاط به كتابه...^۱ خداوندا! برسان به مولای ما... از
سوی تمامی مردان و زنان مؤمن که در مشرق‌ها و مغرب‌های زمین و در
صحرا و کوه‌ها هستند... درود و تحیتی که با عرش خدا برابری کند و به
اندازه کلمات حق، و آنچه علم خدا احصا می‌کند و کتاب آفرینش حق
در بر گرفته است، باشد....

مانند این فراز در ادعیه دیگر نیز وارد شده است. برای نمونه، در دعای روز عرفه
می‌خوانیم:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ... فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ
السَّاعَةِ تَحِيَّةً كَثِيرَةً؛^۲ خدایا! بر محمد و آل محمد ﷺ در این ساعت و
همه ساعات درود فراوان برسان!.

در یکی از زیارات جامعه نیز عرضه می‌داریم:

اللّٰهُمَّ قَبِّلْ أَرْوَاحَهُمْ وَ أَجْسَادَهُمْ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ
أَوَانٍ وَ حِينَ وَ زَمَانٍ مِّنَّا السَّلَامُ وَ ارْزُقْ عَلَيْنَا مِنْهُمْ السَّلَامَ؛^۳ پروردگارا! به
ارواح پاک و بدن‌های مطهر ائمه ﷺ در این لحظه و تمام وقت‌ها و
زمان‌ها از ناحیه ما سلام برسان و سلام آن‌ها را هم به ما برگردان.

از آن جایی که تبری نیز مانند تولی از واجبات مذهب تشیع به شمار می‌آید، این گونه
درخواست‌ها در زمینه تبری از دشمنان اهل بیت ﷺ نیز منعکس شده است. به عنوان
نمونه، در زیارت امام حسین (علیه السلام) و در بخش لعن بر دشمنان او عرضه می‌داریم:

«لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ وَ جَدَّ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۸۱.

۳. همان، ج ۹۹، ص ۱۵۶.

ساعة^۱ خداوند قاتلت را لعنت کند و عذاب را در این ساعت و تمام ساعات تجدید فرماید».

امام سجاده علیه السلام هم از خداوند متعال می‌خواهد:

اللَّهُمَّ لَا تُسْنِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَذْبَارِ صَلَوَاتِي، وَ فِي إِنِّي مِنْ آثَاءِ لَيْلِي، وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي؛^۲ خدایا! به من توفیق بده که فردی باشم که هیچ ساعتی از ساعات روز را از یاد پدر و مادرم غافل نشوم و پشت سر هر نمازی به پدر و مادرم دعا کنم.

خلاصه آن‌که این فراز از دعا، نشان‌گر همت والای دعاکننده است. او تمام لحظات را مدنظر قرار داده و سلامتی امام دوازدهم علیه السلام را در همه لحظه‌ها و ساعات و زمان‌ها از خداوند متعال خواستار است.

وَلِيًّا

همان‌طور که قبلاً یادآور شدیم، «ولی» به معنای سرپرست است. دعاکننده از خداوند متعال می‌خواهد که ولیّ امام عصر علیه السلام باشد؛ زیرا اگر او سرپرستی و ولایت کسی را عهده‌دار شود، از همه بهتر و والاتر است و او را کفایت می‌کند: ﴿وَ كَفَى بِاللّٰهِ وَلِيًّا﴾.^۳

علامه طباطبایی رحمته الله در بیان معنای ولایت می‌گوید:

برای ولایت معانی زیادی ذکر کرده‌اند، اما اصل در معنای آن، از بین رفتن واسطه بین دو شیء است، به نحوی که آنچه از آنان نیست، بین آن‌دو فاصله ایجاد نکند.^۴

۱. همان، ج ۹۸، ص ۳۶۸.

۲. صحیفه سجاده، دعای ۲۴.

۳. سوره نساء، آیه ۴۵.

۴. «الولاية و إن ذكروا لها معاني كثيرة لكن الأصل في معناه ارتفاع الوساطة الحائلة بين الشيئين بحيث

ایشان با توجه به موارد به کار رفته در متون آیات و روایات می‌نویسد:

کلمه ولایت با توجه به موارد استعمال آن در قرآن و بیان اهل بیت علیهم‌السلام و غیره، عبارت است از نزدیکی و قرب خاصی که براساس آن، نوع خاصی از تصرف و مالکیت و حاکمیت و تدبیر و تصدی پا می‌گیرد.^۱

بر این اساس، دعا کننده با گفتن این فراز، از خداوند متعال می‌خواهد که سرپرستی‌اش را برای امام مهدی علیه‌السلام ادامه دهد.

به عبارت دیگر، تمام انسان‌ها، حتی مؤمنان هم محتاج سرپرستی خداوند متعال هستند. بنابراین قرآن کریم می‌فرماید: ﴿اللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا﴾؛^۲ «خداوند، ولیّ و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند».

امامان معصوم نیز سرپرستی الهی را خواستارند. امام علی علیه‌السلام در مناجاتش به خدا عرضه می‌دارد: «و لا تولّٰنی غیرک»؛^۳ پروردگارا! سرپرستی‌ام را به کسی جز خودت

→ لا یكون بینهما ما لیس منهما». /المیزان، ج ۱۰، ص ۸۸.

۱. همان، ج ۶، ص ۱۲. برای اطلاع بیش‌تر از معانی اصطلاحی ولایت در علوم مختلف، رک: نظریه تعطیل حکومت و تقدّر آن، پایان‌نامه آقای محمدعلی قاسمی، ص ۵۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۷. منظور از مؤمنین در این آیه، یا اهل بیت علیهم‌السلام است یا ولایت الهی بر مؤمنان، به واسطه ولایت بر امام است. لذا در خطبه غدیر فرمود: «إن الله مولای و انا مولی المؤمنین»؛ پس ولایت الهی، شامل یک نفر می‌شود و آن، انسان کامل است و مؤمنین به واسطه ولایت او تحت ولایت الهی قرار می‌گیرند. در روایات نیز تصریح شده است که خلقت مؤمنین از خلقت امام نشأت می‌گیرد؛ لذا ولایت معصوم در ادامه ولایت خداوند متعال است.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۲۶۵؛ صحیفه مهدیه، ص ۵۰۱. در ادعیه دیگر نیز این خواسته بیان شده است. مانند: «و تولّٰنی و لا تولّٰنی غیرک...» /المصباح، ص ۷۱.

مسیار».

امام مهدی علیه السلام نیز در دعای ماه رجب از خداوند چنین خواسته است: «ولا تكلنا إلى غیرک؛^۱ پروردگارا! ما را به غیر خودت وا مگذار».

عاشقان امام مهدی علیه السلام نیز در این دعا، یک خواسته را با شش واژه مترادف بیان می‌کند که عبارت‌اند از ولیّ، حافظ، قائد، ناصر، دلیل و عین. اما تقدم و تأخر این واژه‌ها بی‌حکمت نیست. چرا اولین واژه، لفظ «ولیّ» است؟ قطعاً تقدم این لفظ بر سایر کلمات، دلیلی دارد و آن، عظمت، شرافت، گستردگی و عمق این لفظ نسبت به سایر الفاظ است. با نگاهی اجمالی به ظاهر و مفهوم این کلمات، روشن می‌شود که پربرترین و جامع‌ترین آن‌ها واژه «ولیّ» است؛ زیرا هنگامی که خداوند متعال ولیّ و سرپرست شخصی شد، قطعاً او را حفظ می‌کند و تحت رهبری، نصرت و حراست خود قرار می‌دهد. بنابراین، احتمال می‌رود که حکمت تقدم لفظ «ولیّ» بر دیگر واژه‌ها همین مسأله (جامعیت) باشد.

ضمن آن‌که کاربرد این واژه با روح، حکمت و ضرورت دعا، هماهنگی خاصی دارد. یعنی دعاکننده می‌داند که همه خلائق در ذات خود، فقیر و محتاج به پروردگار هستند و حتی ولیّ و سرپرست تمام موجودات این عصر نیز محتاج سرپرستی الهی است. به عبارت دیگر، شخصی که خود، ولیّ، حافظ، قائد، ناصر، دلیل و عین است هم به قدرتی بالاتر از خود نیاز دارد که خالق همه این خصوصیات است.

و حافظاً

شخص منتظر در این بخش از دعا، حفاظت و حمایت الهی را برای امام مهدی علیه السلام که

۱. المصباح، ص ۷۰۱؛ مصباح‌المتجهّد، ص ۸۰۳؛ بحار‌الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۹۲ و صحیفه مهدیه، ص ۲۸۸.

حافظ اسرار الهی است،^۱ طلب می‌کند؛ زیرا خداوند بهترین حافظ است: ﴿فَاللَّهُ خَيْرَ حَافِظًا﴾.^۲

در قرآن آمده است که حفاظت هستی برای خداوند متعال سنگین نیست: ﴿وَلَا يُؤْدُهُ حِفْظُهُمَا﴾.^۳ کسی که از هستی حفاظت می‌کند، می‌تواند امام را نیز در برابر خطرات حفظ کند. لذا برای حفاظت امام، خواندن آیه الکرسی سفارش شده است.

بر اساس روایات، امام زمان علیه السلام حیاتی طبیعی دارد و در میان مردم است و همان‌طور که پیامبران الهی و دیگر ائمه علیهم السلام به بیماری یا مشکلات دچار می‌شدند، امام زمان علیه السلام نیز مصون از این مسائل نیست. بنابراین، دعا و صدقه برای سلامتی امام مهدی علیه السلام لازم و ضروری است.

امامان هم در ادعیه و مناجات‌های خود با خدا، برای حفظ و سلامتی امام زمان علیه السلام دعا کرده‌اند. به عنوان مثال، امام زین‌العابدین و سید الساجدین علیهما السلام در حق آن امام، چنین دعا فرموده‌اند: «و راعه بعینک و احمه بحفظک؛^۴ او را نگاه دار و در پناه خود حفظ فرما».

امام رضا علیه السلام نیز پیوسته به دعا کردن برای امام زمان علیه السلام امر می‌فرمودند و برای ایشان چنین دعا می‌کردند:

۱. «السلام علیک یا حافظ أسرار ربّ العالمین»؛ مفاتیح الجنان، ص ۸۶۸. امام صادق علیه السلام هم امام مهدی علیه السلام را حافظ اسرار امامت معرفی فرموده است: «الحافظ لما استودع»؛ بشارة الاسلام، ص ۱۴۱.

۲. سوره یوسف، آیه ۶۴.

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۴. صحیفه سجادیه، دعای ۴۷ و معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۰۴.

اللّٰهُمَّ ادفع عن وَّلِيك... و أعذه من شرِّ جميع ما خلقت و برأت و
 أنشأت و صوّرت و احفظه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن
 شماله و من فوقه و من تحته بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به؛^۱
 خداوندا! هرگونه بلا را از ساحت ولیّ خود دور گردان... و او را در پناه
 خود از شرّ تمام آنچه آفریده‌ای و ایجاد و انشا و صورت‌گری
 فرموده‌ای محفوظ بدار، و او را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ
 و از بالا و پایین حفظ کن، حفظ کردنی که اگر کسی را آن‌طور محفوظ
 گردانی، از بین نرود.

در دعای «صلوات» نیز برای امام زمان علیه السلام از خدا چنین مسئلت می‌کنیم:

اللّٰهُمَّ أعذه من شرِّ كل باغ و طاغ و من شرِّ جميع خلقك و احفظه
 من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و احرسه و امنعه أن
 يوصل إليه بسوء؛^۲ خدایا، او (امام مهدی علیه السلام) را از زیان و بدی و شرّ
 تمام ستمگران و طاغوت‌ها و سرکشان و همه آفریدگانت در پناه خود
 محفوظ بدار و او را از پیش روی، پشت سر، راست و چپ نهبانی کن،
 و پاسدار و نگه‌دارنده‌اش باش تا هیچ گزند و بدی به او نرسد.

هم‌چنین امام جواد علیه السلام امر فرموده‌اند که بعد از هر نماز واجب برای امام زمان علیه السلام

چنین دعا کنیم:

اللّٰهُمَّ وَّلِيك فلان فاحفظه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن

۱. مصباح المتعبد، ص ۴۰۹؛ المصباح، ص ۷۲۶؛ جمال الاسبوع، ص ۳۰۷؛ البلد الامین، ص ۱۲۰؛ صحیفه

مهدیه، ص ۳۴۳ و مکمال المکارم، ج ۲، ص ۱۲۷. این دعا از طریق یونس بن عبدالرحمن نیز با اندکی
 تفاوت نقل شده است.

۲. مصباح المتعبد، ص ۴۰۵.

شماله و من فوقه و من تحته؛^۱ خداوندا! ولیّات را در پیشگاه خودت، از پیش رو و پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالا و پایین حفظ بفرما.

امام حسن عسکری (علیه السلام) هم در قنوت نمازهایشان برای آن امام این گونه دعا

می فرمودند:

فاجعله اللهم في حصانة من بأس المعتدين... و اجعله اللهم في أمن مما يشفق عليه منه... و ردّ عنه من سهام المكائد ما يوجهه أهل الشنآن إليه؛^۲ خداوندا! او را در پناه گاهی قرار ده تا از شرّ متجاوزان در امان باشد. خدایا! او را از چیزهایی در امان بدار که از آن برایش می ترسیم و تیرهای نیرنگ را که کینه توزان و بدخواهانش به سوییشت پرتاب می کنند، برطرف ساز.

چرا همواره برای سلامتی و مصونیت امام مهدی (علیه السلام) از همه بلاهای آسمانی و زمینی دعا می شود؟ چرا باید برای سلامتی ایشان و در امان بودن وجود نازنین او از هرگونه خطر، این گونه دعا کرد؟

امام مهدی (علیه السلام) واسطه فیض و محور عالم هستی است. اگر او نباشد، هیچ مخلوقی توان حیات ندارد. بنابراین جهان هستی وابسته به اوست و در این باره روایات فراوانی وجود دارد.

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۴۸ و من لا یحضر الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۷. در منبع اخیر، به جای «فلان»، «الحجة» ذکر شده است.

۲. مصباح المتعبد، ص ۱۵۶؛ مهج الدعوات، ص ۸۵؛ البلد الامین، ص ۶۶۰ و صحیفه مهدیه، ص ۱۶۵ و ۱۶۷.

پیامبر اکرم ﷺ خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

إِنِّي و احد عشر من ولدی و أنت یا علیّ زُرُّ الأرض أعنی أوتادها و جبالها، بنا أوتد الله الارض أن تسیخ بأهلها، فإذا ذهب الإثناعشر من ولدی ساخت الأرض بأهلها و لم یَنتظروا؛^۱ من و یازده تن از فرزندانم و تو ای علی، لنگرهای زمین هستیم. خداوند به وسیله ما زمین را استوار کرده که ساکنانش را در دل خود فرو نبرد. هنگامی که دوازده فرزندم از روی زمین بروند، زمین ساکنانش را در دل خود فرو می برد و به آنها مهلت داده نمی شود.

امام زین العابدین علیه السلام هم در یک روایت طولانی می فرماید:

و بنا یمسک الأرض أن تمید بأهلها و بنا ینزل الغیث و بنا ینشر الرحمة و یمخرج بركات الأرض ولولا ما فی الأرض منّا لساخت بأهلها؛^۲ خداوند به وسیله ما نمی گذارد که زمین، اهل خود را پریشان سازد و به وسیله ما باران را می فرستد و به وسیله ما رحمتش را می گستراند و به وسیله ما بركات زمین را خارج می سازد و اگر امامی از ما بر روی زمین نبود، زمین اهل خود را در کام خود فرو می برد.

امام باقر علیه السلام هم در این باره می فرماید:

لو أن الإمام رفع من الأرض ساعة لماجت بأهلها كما یموج البحر

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۵۹؛ اثبات الهداة، ج ۱، ص ۴۶۰ و کافی، ج ۱، ص ۳۱۹ (با اندکی تفاوت).

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۰۷؛ الأمالی، صدوق، ص ۱۵۷؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۶؛ ینابیع المودة، ج ۱، ص ۷۵ و ج ۳، ص ۳۶۰.

بأهله؛^۱ اگر امام یک ساعت از روی زمین برداشته شود، زمین ساکنانش را در هم می‌پیچد، آن‌چنان که دریا [به هنگام طوفان] ساکنانش را در هم می‌پیچد.

آیت‌الله صافی در کتاب /امامت و مهدویت، شش توجیه و تحلیل درباره ارتباط وجود امام با تداوم حیات هستی بیان نموده است.^۲ علاوه بر این مطالب، علت و حکمت حفظ امام مهدی (عج)، حفظ نبوت، امامت و دین الهی است؛ زیرا مادامی‌که ایشان سالم و پا برجا باشد، هدف ارسال رسل و انزال کتب تحقق می‌یابد.

امام رضا (ع) با اشاره به همین حقیقت می‌فرماید:

و احفظ فیه رسولک و آبائہ أئمتک و دعائم دینک؛^۳ خدایا! به واسطه وجود مبارک او (امام مهدی (عج)) پیامبرت و پدراننش را که امامان منصوب از ناحیه خودت و ستون‌های دینت هستند، حفظ فرما.

او وارث و ادامه‌دهنده خط رسالت، نبوت و امامت است. دعا برای سلامتی ایشان، دعا برای حفظ و سلامتی تمام دست‌آوردهای وحیانی و آسمانی است. البته پروردگار متعال هم برای حفظ او تدابیری به کار بسته است، وانگهی انسان‌ها نیز وظیفه دارند که از

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۴ (با اندکی تفاوت)؛ الغیبه، نعمانی، ص ۱۳۹ و بصائر الدرجات، ص ۵۰۸.

۲. ج ۲، صص ۷۵ - ۱۱۲.

۳. مصباح‌المتجهج، ص ۴۰۹؛ المصباح، ص ۷۲۶؛ جمال‌الاسبوع، ص ۳۰۷ و بلد‌الامین، ص ۱۲۲. این فراز در چندین دعا وارد شده؛ از جمله دعای «معرفت» که از وجود نازنین امام مهدی (عج) شرف صدور یافته است. (کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۲؛ مصباح‌المتجهج، ص ۴۱۱؛ المصباح، ص ۴۲۵؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۶ و صحیفه مهدیه، ص ۳۵۸).

خداوند متعال برای آخرین حجتش سلامتی و تن‌درستی درخواست نمایند.

جنبه دیگری که در دعا برای حفظ آن حضرت می‌تواند مدنظر باشد، آن است که خداوند، وجود مقدس حضرت بقیة‌الله - ارواحنا فداه - را برای انجام رسالت بی‌نظیری که برعهده‌اش گذاشته شده، حفظ فرماید. زیرا آنچه آخرین وصی خاتم الانبیا ﷺ متحمل شده و قرار است که با ظهور خود به طور کامل ادا نماید، مسئولیت و رسالت بسیار بزرگی است که برای حُسن انجام آن، عنایت خاص و ویژه الهی لازم است.

ما از خداوند می‌خواهیم که ایشان را برای تحمل این بار سنگین، چه در زمان غیبت و چه در زمان ظهور حفظ فرماید؛ چراکه به دوش کشیدن ودایع بزرگ امامت، هم در زمان غیبت - که به امر خداوند بدون آشکار شدن علنی برای مردم است - و هم در هنگامه ظهور - که امید و آرزوی همه انبیا و اولیای الهی را بر روی زمین محقق خواهد فرمود - بسیار سنگین است و نیاز به حفظ و مراقبت ویژه خداوند از تنها ولیّ حی خود دارد.^۱

پروردگار متعال همواره برای حفظ اولیای خود، از وسایل و اسبابی استفاده کرده است؛ به آتش فرمان داده که بر ابراهیم علیه السلام گلستان شود، به رود خروشان دستور داده که صندوق حامل موسی علیه السلام را به سلامت به کاخ فرعون برساند، حضرت عیسی علیه السلام را به آسمان برده،^۲ برای حفظ جان اشرف مخلوقاتش به عنکبوت، دستور تنیدن و به کبوتر، فرمان لانه‌سازی بر دهانه غار داده و در جنگ‌ها، ملائک را به یاری او و سپاهش فرستاده است.

سرچشمه این حفاظت‌ها، رحمت الهی است: ﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ أَرْحَمُ

۱. مناجات منتظران، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲. سوره ابراهیم، آیات ۳۶ تا ۴۴.

الرَّاحِمِينَ^۱ و حفاظت، از شئون ربوبیت خداوند است: ﴿يَكْلُوكُمْ ... رَبِّهِمْ﴾^۲. از حفاظت آسمان‌ها تا رام بودن حیوانات و حفظ بدن انسان در برابر میکروب‌ها، همه گوشه‌ای از انواع حفاظت انسان در هر لحظه از سوی خداست. در کنار همه عوامل طبیعی، برخی فرشتگان هم برای حفاظت از انسان‌ها گماشته شده‌اند: ﴿إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ﴾^۳.

باید توجه داشت که حفاظت الهی همیشه به صورت معجزه نیست؛ بلکه گاهی هم عوامل طبیعی، ابزار و زمینه حفاظت هستند؛ آن‌گونه که در حفاظت از اصحاب کهف چنین بود: ﴿وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَرَاوُرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرِّضُهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ...﴾^۴. نتابیدن مستقیم خورشید و وجود نسیم و وسعت مکان غار، از عوامل طبیعی برای سلامت اصحاب کهف بود.

اگرچه خداوند متعال، بر حفظ ولی‌اش قدرت دارد، اما تمام انسان‌ها در تمام دوران‌ها وظیفه دارند که برای حفظ ولیّ زمان خود جان‌فشانی کنند. کامل‌ترین و بارزترین نمونه این جان‌فشانی، ایثار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در لیلۃ المبیت بود.

بنابراین همان راه‌هایی که برای حفظ و سلامتی انبیا و اولیای گذشته وجود داشته، در مورد آخرین حجت الهی نیز وجود دارد؛ اما تمام انسان‌های عصر امام مهدی (عج) موظف به تلاش برای حفظ ایشان در برابر تمام حوادث و آسیب‌ها هستند. دعا برای ایشان، یکی از

۱. سوره یوسف، آیه ۶۴.

۲. سوره انبیاء، آیه ۴۲.

۳. سوره انفطار، آیه ۱۰.

۴. «و خورشید را می‌نگریستی که چون [از افق مشرق] برمی‌آمد، از غارشان به طرف راست متمایل می‌گشت، و هنگامی که فرو می‌شد، از سمت چپ آنان دامن برمی‌چید [و در سمت مغرب فرو می‌رفت] و آنان در فراخنایی از آن [غار] قرار داشتند. این از نشانه‌های [قدرت] خداست». سوره کهف، آیه ۱۷.

راه‌های انجام این وظیفه است.

امام رضا علیه السلام به پسر مقاتل سفارش فرمود که در قنوت نماز چنین دعا کند:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَائَكَ وَ رُسُلَكَ وَ
حَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ أَسْلِكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ
مَنْ خَلْفَهُ رَصْداً يُحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سَوْءٍ؛^۱ خدایا! کار بنده و خلیفه‌ات (امام
مهدی علیه السلام) را سامان ده به آنچه کار پیامبران و فرستادگانت را سامان
دادی و فرشتگانت را پیرامونش قرار ده و او را به روح القدس از سوی
خویش تأیید فرما تا از پیش رو و پشت سرش او را از هر بدی
محافظت کند.

خداوند متعال، دیگر امامان معصوم علیهم السلام را هم تحت حمایت و حفاظت خود داشت.

امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ﴾^۲ و
آیه ﴿لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾^۳ چنین فرموده‌اند:

هم الأئمة و هم الأعلام و لولا صبرهم و انتظارهم الأمر أن يأتيهم من
الله تعالى لقتلوا جميعاً؛^۴ منظور در این آیات، ائمه علیهم السلام هستند و اگر صبر
و انتظار آمدن امر الهی را نداشتند، همه کشته می‌شدند.

این دو عامل، یعنی صبر و انتظار، در حقیقت یکی از راه‌ها و روش‌های حفظ امام

۱. مصباح المتعجب، ص ۳۶۶؛ جمال الاسبوع، ص ۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۵۱؛ صحیفه مهدیه،

ص ۱۷۸ و مکمال المکارم، ج ۲، ص ۵۸.

۲. سوره حج، آیه ۳۹.

۳. همان، آیه ۴۰.

۴. البرهان، ج ۳، ص ۹۴؛ کنز الفوائد، ص ۱۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۵۹ و تأویل الآیات، ج ۱،

زمان علیه السلام به شمار می‌آید. او هم منتظر آماده شدن ما و رسیدن فرمان از جانب حضرت حق است و بیش از هزار سال است که ظلم و ستم، فتنه و فساد، و آفت و آسیب‌ها را می‌بیند و صبر می‌کند تا خداوند متعال اذن ظهور دهد.

برخی می‌پرسند: چه آسیب و خطراتی وجود امام را تهدید می‌کند؟ خداوند متعال، امام مهدی علیه السلام را از شرّ چه چیزهایی حفظ می‌فرماید؟ آیا ما شیعیان توان و لیاقت حفظ امام را نداریم؟!

در پاسخ باید گفت: خطرهایی برای امام مهدی علیه السلام وجود دارد که شاید به ذهن کم‌تر کسی خطور کند. شیطان با تمام اعوان و انصارش، هر لحظه در حال نقشه کشیدن و اجرا کردن اهدافشان برای به عقب انداختن ظهور آن حضرت هستند؛ زیرا آن‌ها خوب می‌دانند که ظهور حضرت مهدی علیه السلام مساوی با پایان کار آن‌هاست. در آن زمان، عمر دولت آن‌ها تمام می‌شود و دیگر نمی‌توانند انسان‌ها را به راحتی اغوا کنند.

هنگامی که شیطان از درگاه الهی رانده شد و تا روز قیامت مهلت خواست، خداوند او را تا وقت معلوم، مهلت داد: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛^۱ «[شیطان] گفت: پروردگارا! مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد، مهلت ده» [خداوند] فرمود: تو از مهلت‌یافتگانی * تا روز [و] وقت معلوم». در روایاتی از امام سجاد،^۲ امام صادق^۳ و امام رضا علیه السلام، «وقت معلوم» به ظهور امام

۱. «و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم». سوره حجر، آیات ۳۶ تا ۳۸.

۲. منتخب الانوار المضيئة، ص ۲۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶ و معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۱۹۷.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲؛ دلائل الامامة، ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۱ و معجم ←

مهدی علیه السلام تأویل شده است. امام هادی علیه السلام هم مصداق آیه شریفه ﴿وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ﴾^۲ را روز ظهور بیان فرموده‌اند.^۳

از سوی دیگر، معتقدان به امامت تصور می‌کنند که برای دفاع از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آماده هستند؛ ولی تجربه تاریخ نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها در عرصه امتحان، موفق و سربلند نبوده‌اند و چه بسا خود آنان خطراتی را برای اسلام به وجود آورده‌اند و حتی برخی از شیعیان به امام زمان خود آسیب رسانده‌اند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به اسحاق بن عمار که درباره آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾^۴ پرسیده بود، فرمودند:

نحن الذين آمنوا والله يدافع عنا ما أذاعت شيعتنا؛^۵ آن‌هایی که ایمان آورده‌اند، ما هستیم. خداوند متعال از ما دفاع می‌کند، به هنگامی که پیروان، ما را اذیت کنند.

به شهادت تاریخ، برخی از شیعیان، نه تنها مدافع اهل بیت علیهم السلام نبوده‌اند، بلکه در صف مقابل قرار گرفته و مجری طرح‌های شیطان شده‌اند. چه بسا کسانی که امام مهدی علیه السلام را

➔ احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۹۸.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۷۱؛ کفایه الاثر، ص ۲۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱ و معجم احادیث، ج ۵، ص ۲۰۱.

۲. سوره حجر، آیه ۱۷.

۳. معانی الاخبار، ص ۱۳۹؛ البرهان، ج ۱، ص ۲۸۱؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۴۲ و معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۹۶.

۴. «قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند». سوره حج، آیه ۳۸.

۵. کنز الفوائد، ص ۱۷۱ و بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۸۲.

نمی‌شناسند، خطری هم برای آن حضرت نیافرینند، ولی آن‌هایی که شیعه نامیده می‌شوند، در برابر آن حضرت صف‌آرایی کنند و علیه اهداف و انگیزه‌های ایشان اقدام نمایند و قلبشان را ناراحت سازند. همان‌طور که خود آن امام در توقیع شریف فرمود:

قد آذانا جهلاء الشيعة و حمقائهم، و من دینه جناح البعوضة أرجح منه؛^۱ نادانان و کم‌خردان شیعه و کسانی که بال پشه از دین‌داری آنان محکم‌تر است، ما را می‌آزارند.

و قائداً

«قائد» به معنای رهبر، راهبر و پیشواست.^۲ کسی که جلوی کاروان حرکت می‌کند و کاروان را به پیش می‌برد، قائد خوانده می‌شود. دعاکننده در این فراز از خداوند متعال می‌خواهد که در همه حال، راهبر و رهبر امام زمان علیه السلام باشد. اساساً تمام موجودات، محتاج عنایت پروردگار هستند. اگر خداوند متعال لحظه‌ای انسان را سرپرستی نکند و او را به حال خود و هوای نفسش واگذارد، طغیان می‌کند و از مسیر حق خارج می‌شود.

بنابراین، اشرف مخلوقات، پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در هر روز عرضه می‌داشت:

إلهی... لا تكلنی إلی نفسی طرفة عين أبداً، فإنک إن تكلنی إلی نفسی أقرب من الشرّ و أبعد من الخير؛^۳ خدایا! یک چشم بر هم زدن مرا به خودم وامگذار؛ زیرا اگر مرا به نفسم واگذار کنی، به بدی بسیار نزدیک و از خوبی بسیار دور می‌شوم.

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴.

۲. الرائد، ج ۲، ص ۱۳۲۴.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۸ و مجمع‌الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۸۱.

در دعایی هم از امام عصر علیه السلام نقل شده است: «و لا تكلنا إلى غيرك؛^۱ خدایا ما را به غیر خودت وامگذار».

خلاصه آن که عاشق منتظر، با الفاظ و عبارات نزدیک به هم، از پروردگار می خواهد که ولیّ عصر علیه السلام را سرپرستی کند. در حقیقت، روح این دعا درخواست عنایت خاص الهی برای ولیّ زمان علیه السلام است.

و ناصراً

هر حرکتی که بخواهد به سرانجام برسد، باید مورد حمایت و یاری قرار گیرد تا بتواند به نتیجه مطلوب برسد، و حمایت چه کسی بهتر از خداوند، که قدرت مطلق و بهترین یاری دهنده است؟!

یکی از وعده ها و سنت های الهی، نصرت مؤمنین و دفاع از آنهاست. خداوند این دفاع و حمایت را بر خود لازم فرموده است: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾.^۲ در قرآن، بارها از یاری انبیا و اولیا توسط خدا سخن به میان آمده است. اسامی برخی از پیامبران که نصرت الهی شامل حال آنها شده، از این قرار است:

- حضرت نوح علیه السلام: ﴿فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ﴾؛^۳ «ما او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم».

- حضرت ابراهیم علیه السلام: ﴿يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا﴾؛^۴ «ای آتش! بر ابراهیم سرد و

۱. المصباح، ص ۷۰۱؛ مصباح المتعجب، ص ۸۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۹۲ و صحیفه مهدیه، ص ۲۸۸.

۲. سوره روم، آیه ۴۷.

۳. سوره یونس، آیه ۷۳.

۴. سوره انبیاء، آیه ۶۹.

سلامت باش.»

- حضرت لوط علیه السلام: ﴿إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ﴾^۱ «ما او و بستگانش [به جز

همسرش] را نجات دادیم.»

- حضرت یوسف علیه السلام: ﴿وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ﴾^۲ «و

ما این گونه برای یوسف در زمین مکت قرار دادیم که هر جای آن را که می خواهد برگزیند.»

- حضرت شعیب علیه السلام: ﴿نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾^۳ «ما شعیب و مؤمنان همراه

او را نجات دادیم.»

- حضرت صالح علیه السلام: ﴿نَجَّيْنَا صَالِحًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾^۴ «ما صالح و مؤمنان همراه

او را نجات دادیم.»

- حضرت هود علیه السلام: ﴿نَجَّيْنَا هُودًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾^۵ «ما هود و مؤمنان همراه او را

نجات دادیم.»

- حضرت یونس علیه السلام: ﴿وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ﴾^۶ «ما یونس را از غم نجات دادیم.»

- حضرت موسی علیه السلام: ﴿وَ أَنْجَيْنَا مُوسَى وَ مَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ﴾^۷ «ما موسی و کسانی را

۱. سوره صافات، آیه ۱۳۴.

۲. سوره یوسف، آیه ۵۶.

۳. سوره هود، آیه ۹۴.

۴. همان، آیه ۶۶.

۵. همان، آیه ۵۸.

۶. سوره انبیاء، آیه ۸۸.

۷. سوره شعراء، آیه ۶۵.

که با او بودند، نجات دادیم».

- حضرت عیسیٰ علیه السلام: ﴿إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رَافِعُكَ إِلَيَّ﴾؛^۱ «من تو را می‌گیرم و به سوی خود بالا می‌برم».

- حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾؛^۲ «همانا ما برای تو پیروزی آشکاری گشودیم».

همچنین خداوند مؤمنان را نیز در مواقع بسیاری یاری داده است. آیات زیر بیان‌گر این حقیقت هستند:

- ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ﴾؛^۳ «همانا خداوند شما را در جنگ بدر یاری کرد، در حالی که ذلیل بودید».

- ﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾؛^۴ «خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و مؤمنین نازل کرد».

- ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا﴾؛^۵ «اوست که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانشان زیاد شو».

نصرت الهی در مورد پیامبران و مؤمنان به صورت‌های مختلفی جلوه می‌کند. برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. سوره آل عمران، آیه ۵۵

۲. سوره فتح، آیه ۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۲۳.

۴. سوره توبه، آیه ۲۶.

۵. سوره فتح، آیه ۴.

۱- ایجاد الفت و گرایش دل‌ها به هم: ﴿وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ﴾،^۱ ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾.^۲

۲- استجاب دعا: قرآن درباره حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید: ﴿فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ﴾.^۳ در سوره انبیا نیز به استجاب دعاى حضرت نوح، یونس، زکریا و ایوب علیهم السلام اشاره شده است.^۴ هم‌چنین در سوره شوری می‌خوانیم: ﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾؛^۵ «خداوند دعای کسانی را که اهل ایمان و عمل صالح‌اند، مستجاب می‌فرماید».

۳- اعطای حکومت: ﴿آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾؛^۶ «به آن‌ها حکومتی بزرگ عنایت کردیم».

۴- غلبه در جنگ: ﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ﴾؛^۷ «خداوند در مواقع بسیاری شما را یاری کرد».

۵- نزول سکینه و آرامش بر قلب: ﴿فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا﴾؛^۸ «پروردگار آرامش را بر او فرستاد و او را با سپاهی که نمی‌توانستید آن‌ها را مشاهده

۱. سوره انفال، آیه ۱۱.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۲۷.

۳. سوره یوسف، آیه ۳۴.

۴. ﴿فَاسْتَجَبْنَا﴾. سوره انبیاء، آیات ۷۶، ۸۴، ۸۸ و ۹۰.

۵. سوره شوری، آیه ۲۶.

۶. سوره نساء، آیه ۵۴.

۷. سوره توبه، آیه ۲۵.

۸. همان، آیه ۴۰.

کنید، یاری کرد.»

- هلاکت دشمن یا انتقام از او: ﴿فَاغْرَقْنَاهُمْ﴾؛^۱ «همگی آنان را غرق کردیم».

- نزول فرشتگان و امدادهای غیبی: ﴿أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزِلِينَ﴾؛^۲ «آیا خداوند که سه هزار فرشته را به یاری شما فرستاد، کافی نیست؟»

- ایجاد رعب در دل دشمن: ﴿وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ﴾؛^۳ «و در دلهایشان رعب و وحشت انداخت».

- پیروزی در سایه نصرت الهی: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾؛^۴ «هنگامی که یاری و پیروزی خدا بیاید».

- گسترش فکر و فرهنگ: ﴿يُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾؛^۵ «تا بر تمامی ادیان برتری پیدا کند».

- نجات از خطرها: ﴿فَانْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ﴾؛^۶ «نوح و سرنشینان کشتی را نجات دادیم».

- خنثی کردن حيله‌ها و خدعه‌ها: ﴿وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ﴾؛^۷ «بروردگار،

۱. سوره اعراف، آیه ۱۳۶.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۲۴.

۳. سوره حشر، آیه ۲ و سوره ابراهیم، آیه ۲۷.

۴. سوره نصر، آیه ۱.

۵. سوره صف، آیه ۹.

۶. سوره عنکبوت، آیه ۱۵.

۷. سوره انفال، آیه ۱۸.

نیرنگ کافران را بی‌اثر می‌نماید».

اگرچه امام مهدی علیه السلام ناصر بی‌یاوران است،^۱ اما خود ایشان نیز به نصرت الهی احتیاج دارد. از این رو، دعاکننده از خداوند متعال نصرت و یاری او را در همه برنامه‌ها و احوال طلب می‌کند؛ زیرا:

– تنها او نصیر است: ﴿وَكُفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا﴾؛^۲

– او بهترین ناصر است: ﴿نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾؛^۳

– او تنها ناصر است: ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾؛^۴

– او بارها مؤمنان را نصرت داده است: ﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ﴾؛^۵

– ناصر انبیا، اولیا و مؤمنان بوده و هست: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا﴾؛^۶

– باید از او درخواست نصرت شود: ﴿ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾؛^۷

– نصرت الهی، نشانه ولایت خدا بر مؤمنان است: ﴿وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا ... وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ

بِذَرٍّ﴾.^۸

۱. «واجعله اللهم مفزعا لمظلوم عبادك و ناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك». مفاتيح الجنان، دعای عهد.

۲. سوره نساء، آیه ۴۵.

۳. سوره انفال، آیه ۴۰.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۲۶.

۵. سوره توبه، آیه ۲۵.

۶. سوره غافر، آیه ۵۱.

۷. سوره بقره، آیه ۲۵۰ و سوره آل عمران، آیه ۱۴۷.

۸. سوره روم، آیه ۴۷.

درخواست نصرت برای امام زمان علیه السلام در بسیاری از ادعیه مهدوی با عبارات متفاوت بیان شده است. برای مثال امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «در روز جمعه و عید فطر و قربان، به هنگام خروج از منزل برای خواندن نماز بگو: ... و انصره نصراً عزیزاً».^۱

امام صادق علیه السلام نیز در تعقیب نماز ظهر عرضه می‌داشت: «اللهم آئده بنصرک و انصر عبدک؛^۲ خدایا! با یاری خودت او را تأیید کن و بنده‌ات را یاری نما».

آن حضرت هم‌چنین به شخصی سفارش فرمود که هرچه را ترک می‌کنی، این را ترک مکن و در هر صبح و شام بگو: «...وانصره، نصراً عزیزاً»^۳ و به کسی که خواهان طول عمر و زیارت حضرت مهدی علیه السلام بود، سفارش فرمود که چنین دعا کند: «... و عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر».^۴

امام رضا علیه السلام نیز درباره آن امام چنین دعا می‌نمود:

وانصر بنصرک العزیز... و آئده بالنصر و انصره بالرعب؛^۵ او را با نصر عزت‌مند نصرت بده... او را مؤید به نصر فرما و با ایجاد رعب در دل دشمنان، او را یاری نما.

در دعای دیگری از آن حضرت نیز آمده است: «وانصره بنصرک العزیز نصراً عزیزاً»؛^۶

۱. اقبال الاعمال، ص ۵۸۵ و صحیفه مهدیه، ص ۲۶۰.

۲. فلاح السائل، ص ۱۷۰؛ البلد الامین، ص ۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۶۲ و صحیفه مهدیه، ص ۱۸۹.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۳۰ و مکمال المکارم، ج ۲، ص ۶۲.

۴. مصباح المتعبد، ص ۵۸؛ فلاح السائل، ص ۱۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۷ و مکمال المکارم، ج ۲، ص ۲۹.

۵. جمال الاسبوع، ج ۵۰۷ و مکمال المکارم، ج ۲، ص ۱۲۷.

۶. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۲۷ و صحیفه مهدیه، ص ۳۱۴.

او را به نصرت قوی و نیرومند، مقتدرانه یاری فرما».

همچنین امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت نمازهایش، نصرت و یاری یادگار شایسته‌اش را این‌گونه از خدا طلب می‌نماید: «وانصره علی من عاداه... فاشدد اللهم ازره بنصرک؛^۱ خدایا! او را بر تمام دشمنانش پیروز کن... و با یاری‌ات پشتش را محکم گردان».

در زیارت «آل یاسین» نیز عرضه می‌داریم: «اللهم انصره؛^۲ بارالها! او را یاری فرما». البته بعید نیست که درخواست نصرت، در واقع، تمنای فرج و ظهور آن حضرت باشد؛ اگرچه نصرت در عصر غیبت را نیز شامل می‌شود.

و دَلِيلًا

«دلیل» به معنای راهنماست.^۳ در زمان گذشته، کاروان‌ها برای رسیدن به مقصد، از شخصی با عنوان دلیل و راهنما استفاده می‌کردند. ما از خداوند می‌خواهیم که خودش دلیل و راهنمای امام باشد تا زمینه‌های ظهور او فراهم شود و با قیام زیبایش عدالت را در جهان حاکم گرداند.

دعاکننده با گفتن این فراز از خداوند متعال می‌خواهد که امام زمان علیه السلام را راهنمایی کند. در حقیقت، روح این دعا - که درخواست سلامتی برای امام زمان علیه السلام است - با جملات و الفاظ متفاوتی بیان می‌شود. «دلیلاً» عطف بیان دیگری بر «ولیاً» است، یا

۱. مهج الدعوات، ص ۸۵؛ البلد الامین، ص ۶۶۰ و مصباح المتعبد، ص ۱۵۶.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۶ و بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۲.

۳. «دل... إبانة الشيء بإمارة تعلهما، دللت فلاناً على الطريق و الدليل: الإمارة في الشيء». معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۵۱.

تأکیدی دیگر بر درخواست سلامتی آن حضرت.

بر عاشق امام زمان علیه السلام سخت و گران است که ناخوشی و ناراحتی و غم و اندوه، امام زمانش را فراگیرد و او سرگرم دنیای خویش باشد. در دعای ندبه آمده است: «عزیز علیّ أن تحیط بک دونی البلوی؛ گران و سخت است بر من که تنها تو گرفتار باشی و بلا تنها تو را احاطه کند».

وقتی سختی حقیقی باشد، نگرانی و اضطراب پیدا می‌شود. برای رفع تمام این تشویش‌ها، باید به آرام‌بخش دل‌ها و جان‌ها دل سپرد و دست به دعا برداشت و با بیان الفاظ متعدد، بر درخواست اصلی اصرار و پافشاری کرد و در هر شبانه‌روز، چندین بار در حالات مختلف، خواسته خود را بیان نمود.

وَعَيْنًا

واژه «عین» مشترک لفظی است و معانی متعددی دارد. بنابراین، در هر مورد، به قرینه معینّه و خاص نیاز است. در این دعا «عین» به معنای نگهبان و ناظر آمده است.^۱ ما از خداوند متعال می‌خواهیم که در تمام لحظه‌ها نگهبان، ناظر و حافظ آن امام باشد؛ زیرا تنها او مراقب است: ﴿و اصبر لحکم ربک فانک باعیننا﴾.^۲

اگر پروردگار عالم نگهبان کسی باشد، هیچ خطری او را تهدید نمی‌کند. امام زین‌العابدین علیه السلام برای امام مهدی علیه السلام این‌گونه دعا می‌فرمود: «و راعه بعینک؛^۳ خدایا! او را با دیده خود، رعایت [و نگهبانی] فرما».

۱. «هو عین علیه». *الرائد*، ج ۲، ص ۱۲۳۳.

۲. سوره طور، آیه ۴۸.

۳. صحیفه سجاده، دعای ۴۷ و معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۰۴.

برخی در شرح این فراز نوشته‌اند: «شاید این لفظ، اشاره به حدیث مشهور به «قرب نوافل» دارد که بسیاری از علما درباره آن بحث کرده‌اند. در حدیث آمده است که بنده، با تقرب هرچه بیش‌تر به خداوند متعال، به مقامی می‌رسد که خداوند، چشم و گوش و زبان او می‌شود و در واقع، همه رفتار و گفتار او خدایی می‌گردد؛ به همین سبب است که در برخی روایات، از آن حضرت با عبارت «عین الله» یاد شده است.^۱

از این شش کلمه روشن می‌شود که امام زمان علیه السلام در پناه خداوند متعال و حفظ و حمایت و مراقبت او، سرپرستی جامعه را برعهده دارند.

حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ مَلُوعًا

آیا این درخواست‌ها فقط مخصوص به عصر غیبت است؟ خیر؛ بلکه دعاکننده، سلامتی مولایش را در تمام لحظات غیبت و ظهور می‌طلبد. در ابتدای دعا «فی هذه الساعة و فی کلّ ساعة» گفته شد و در این بخش با لفظ «حتی» غایت کلام معلوم شده

۱. فصل‌نامه انتظار، ش ۱۸، ص ۲۷۵. متن حدیث به این شرح است: «عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله ما تحب الی عبدی بشیء احب الی مما افترضه علیه و انه لیتحب الی بالنافلة حتی احبه، فاذا احببته كنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی یرى به و لسانه الذی ینطق به، و یده الی یمس بها و رجله الی یمشی بها اذا دعانی اجبته و اذا سألتی اعطیته؛ امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که خداوند فرمود: اظهار دوستی نکرد بنده من به چیزی دوست داشتنی‌تر از آنچه واجب کردم بر او، و او با نوافل به سوی محبت من می‌آید تا این‌که من نیز او را دوست بدارم. پس هنگامی که او را دوست بدارم شنوایی او می‌باشم، آن‌گاه که می‌شنود؛ و بینایی او می‌باشم، آن‌گاه که می‌بیند و زبان او می‌باشم آن‌گاه که سخن می‌گوید و دست او می‌باشم آن‌گاه که ضربه می‌زند و پای او می‌باشم آن‌گاه که راه می‌رود، هنگامی که به درگاه من دعا کند اجابت می‌کنم و اگر از من درخواست کند به او می‌دهم. (محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۹۱ و اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۳۵۲) البته این مطلب صحیح است اما در شرح این دعا کاربرد ندارد و در این دعا چنین درخواستی نمی‌شود.

است. در حقیقت، این غایت داخل در مغیاست. یعنی چنین درخواست می‌کنیم: «خدایا! در عصر غیبت و ظهور، امام را پشتیبانی کن و او را سلامت بدار!»

هم‌اکنون امام زمان علیه السلام بر روی همین کره خاکی، حاکم و فرمانرواست؛ وانگهی سکونت ایشان به دلیل غیبت و کثرت دشمنان در حال اختفا و سختی است، تا روزی که ظهور نماید و تمام انسان‌ها از حضرت اطاعت کنند و از مخالفت‌ها و عنادهایی که در برخورد با سایر انبیا و اوصیای عظیم‌الشان الهی علیهم السلام وجود داشته، دست بردارند.^۱

دعاکننده از خداوند متعال می‌خواهد که اهل زمین را برای آن حضرت، رام و فرمان‌بردار قرار دهد؛ چنان‌که در تأویل این آیه شریفه آمده است: ﴿و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرهاً﴾^۲ «هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، سر به فرمان او (خداوند متعال) نهاده است».

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

اذا اقام القائم لایبقی ارض الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله؛^۳ هنگامی که امام مهدی علیه السلام قیام کند، زمینی باقی نمی‌ماند، مگر آن‌که گل‌بانگ توحید و شهادت به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در آن بلند می‌گردد.

۱. در حقیقت از لحاظ صرف و نحو «تسکنة» فعل و فاعل و مفعول، و «أرضک» مفعول دوم و «طوعاً» مصدر فعل «طاع، يطیع» به شمار می‌آید و حال برای مفعول دوم به معنای «طائعاً» یعنی انقیاد، رام شدن، گردن نهادن، مطیع شدن، فرمان‌برداری و فروتنی است.

از آن‌جایی که حال باید مشتق باشد و «طوعاً» مصدر و جامد محسوب می‌شود، لذا به طائعاً که اسم فاعل و مشتق است تأویل می‌شود، و چون اسم فاعل از فعل لازم به شمار می‌آید، در واقع معنای مفعولی و مطاوعت دارد مثل ناجی یعنی نجات‌یافته و نازل یعنی فرود آمده.

۲. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳ و معجم احادیث الامام/المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۵۹.

بنابراین آن‌گاه که امام مهدی علیه السلام بر روی زمین ساکن و حاکم شود، همگان با میل و رغبت، به حاکمیت او گردن می‌نهند و از جان پذیرایش می‌شوند، در حالی که هیچ اکراه و اجباری برای آن‌ها نیست. لذا دعاکننده از خداوند متعال می‌خواهد که عمر توأم با سلامتی امام زمان علیه السلام تا آن‌جا طولانی شود که روزگار ظهور و سکونت آن حضرت بر زمین در حال اطاعت مردم فرا رسد و پس از آن‌که مردم از اطاعتش سر باز می‌زدند، با میل و رغبت به اطاعتش درآیند.

البته احتمال دارد که «طوعاً» صفتی برای حضرت باشد.^۱ در این صورت، معنای این فراز، آن است که زندگانی و سلامتی امام مهدی علیه السلام تا زمانی باشد که او در زمین با میل و رغبت و اشتیاق، ساکن و حاکم شود؛ زیرا ظهور و حاکمیت بر زمین و و اجرای احکام الهی، خواسته خداوند، هدف بعثت انبیا و آرزوی امام مهدی علیه السلام است و به همین علت، سکونت و حاکمیت بر ارض از روی میل و رغبت، برای حضرتش طلب می‌شود.

در این عصر امام مهدی علیه السلام بر روی زمین مستقر هستند، ولی به علت اطاعت نکردن مردم از ایشان، در محل‌های مختلفی به سر می‌برند. از آن‌جا که این نوع زندگی، توأم با استقرار و آرامش نیست، «سکونت» محسوب نمی‌شود.^۲

امام مهدی علیه السلام سفارش امام حسن عسکری علیه السلام در این باره را این گونه بیان فرموده‌اند:

إِنَّ أَمْرَ عَهْدِ إِلَى أَنْ لَا أَوْطَنَ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَخْفَاها وَأَقْصَاها، إِسْرَاراً

۱. «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ الْعَمَلُ بِمَا يَقْتَضِيهِ الْأَمْرُ وَالْحُكْمُ مَعَ رَغْبَةٍ وَخُضُوعٍ، فَلَهُ ثَلَاثَةٌ قِيُودٌ: الرَّغْبَةُ وَالْخُضُوعُ وَالْعَمَلُ عَلَى طَبِيقِ الْأَمْرِ. وَإِذَا فَقَدَتِ الرَّغْبَةُ وَالتَّمَايِلُ يَصْدُقُ الْكَرْهُ، سِوَاءِ حَصَلِ خُضُوعٍ أَوْ عَمَلٍ أَمْ لَا». التحقيق في كلمات القرآن، ج ۷، ص ۱۳۷.

۲. «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ [سَكْنَى]: هُوَ الْإِسْتِقْرَارُ فِي مُقَابِلِ الْحَرَكَةِ وَهُوَ أَعَمُّ مِنَ الْإِسْتِقْرَارِ الْمَادِّي وَالرُّوحِيِّ». التحقيق في كلمات القرآن، ج ۵، ص ۱۶۳.

لأمری...؛^۱ به درستی که پدرم از من تعهد گرفت که وطنی از زمین را برای سکونت انتخاب نکنم، مگر مخفی‌ترین و دورترین آن را؛ برای آن‌که امر خود را پوشیده سازم.

آن حضرت در توقیع به شیخ مفید رحمته نیز به این قضیه اشاره فرموده‌اند:

«نحن و إن كنا نأين [تأوين] بمكاننا النائي عن مساكن الظالمين، حسب الذى أَراناہ الله تعالى لنا من الصلاح، و لشيعتنا المؤمنین فی ذلك مادامت دولة الدنيا للفاستقین، فإننا نحیط علماً بأنبائکم؛^۲ هم‌اکنون در مکانی دور از جایگاه ستم‌گران سکنی گزیده‌ایم؛ زیرا خداوند صلاح ما و شیعیان باایمان ما را - مادامی‌که حکومت دنیا به دست تبه‌کاران است - در این کار قرار داده است. با وجود این، بر اخبار و احوال شما آگاهیم».

حسن بن سلیمان حلی رحمته در شرح این فراز از دعا می‌نویسد:

یدلّ علی زمان ظهوره و انبساطه یدہ علیہ السلام و لآئہ الیوم مقهور مغضوب مستأثر علی حقّه غیر مستطیع لإظهار الحقّ فی الخلق؛^۳ این جمله بر زمان ظهور و بسط ید امام زمان علیه السلام دلالت دارد؛ زیرا امروزه (عصر غیبت) ایشان مقهور مانده و حقش غصب شده است و توان اظهار حق در میان خلائق را ندارد.

چه روزی آن حضرت با بسط ید ظاهر می‌شوند و مردم هم از روی میل و رغبت از ایشان اطاعت می‌کنند؟ آن روزی که پروردگار متعال، اذن ظهور بفرماید و ایشان نظام عدل را برپا دارند. در آن روز، زمین و اهل آن - در حالی‌که میل و رغبت کامل دارند -

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۷.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶ و بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳. مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.

از ایشان اطاعت می‌کنند، پرچم اسلام به اهتزاز در می‌آید و گل‌بانگ توحید در سرتاسر عالم هستی طنین‌افکن می‌شود.

امام علی،^۱ امام صادق^۲ و امام کاظم^{علیه السلام}،^۳ آیه شریفه ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾^۴ را به امام مهدی^{علیه السلام} تأویل فرموده‌اند.

امام صادق^{علیه السلام} در تفسیر این آیه می‌فرماید:

هنگامی که قائم^{علیه السلام} قیام کند، نقطه‌ای بر روی زمین نمی‌ماند، جز

آن‌که به یکتایی خدا و رسالت حضرت پیامبر^{صلی الله علیه و آله} گواهی می‌دهد.^۵

این‌بکیر می‌گوید: از امام کاظم^{علیه السلام} در مورد آیه ﴿وله اسلم...﴾ پرسیدم. ایشان فرمود:

این آیه در حق قائم^{علیه السلام} نازل شده است. هنگامی که او ظاهر شود، اسلام را بر یهود، نصاری، صابئین، ملحدین، مرتدین و کافرین شرق و غرب عرضه می‌کند؛ پس هرکه [پس از شناخت حقایق اسلام] از روی رغبت اسلام آورد، او را به نماز و زکات و دیگر وظائف اسلامی امر می‌فرماید و هر کس نپذیرد با او برخورد می‌شود تا در شرق و غرب جهان، احدی جز موحد باقی نباشد.^۶

سرانجام این اراده و عنایت‌های ویژه حضرت حق آن است که زمین به دست امام

۱. همان، ص ۲۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۷ و معجم احادیث الامام المهدی^{علیه السلام}، ج ۵، ص ۵۹.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ و معجم احادیث الامام المهدی^{علیه السلام}، ج ۵، ص ۶۰.

۳. همان.

۴. «هرکه در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، تسلیم اوست». سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۶. معجم احادیث الامام المهدی^{علیه السلام}، ج ۵، ص ۶۰.

مهدی علیه السلام و با قیام آسمانی‌اش، از آلودگی‌ها و نافرمانی‌ها پاک می‌شود و عبادت الهی بدون هیچ شرکی بر روی زمین محقق می‌گردد: ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱ و هدف از خلقت تحقق می‌یابد: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۲.

در ادامه این دعا، ما از خداوند می‌خواهیم که این نعمت ارزشمند، پس از پدید آمدن، مدتی طولانی ادامه یابد تا انسان‌های زیادی در سایه این حکومت به سرانجام نیک نائل شوند.

و تَقَاتَعَهُ فِيهَا صَلَوِيًّا

این فراز از دعا، آرزوی طول بقا برای حکومت آن موعود جهانی است. دعاکننده از خداوند چنین می‌خواهد: «پروردگارا! تو او را برای مدت طولانی روی زمین متمکن ساز.»

در برخی از متون و نسخه‌ها عبارت «تمکنه» آمده است، که با آیاتی از قرآن کریم که به امام مهدی علیه السلام تأویل شده، سازگاری و مناسبت بیشتری دارد.^۳ معنی این دو فعل، بسیار قریب و مشابه است و هر دو به معنای استفاده کردن و بهره بردن استعمال می‌شوند.

در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۳. ﴿وَنُمَكِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛ «و در زمین قدرتشان دهیم». سوره قصص، آیه ۶. ﴿وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾؛ «آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند». سوره نور، آیه ۵۵.

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^۱؛

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که برای آنان پسندیده است، برایشان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا [تنها] مرا پرستند و چیزی را شریک من نکنند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان‌اند».

پیام‌هایی که از این آیه استفاده می‌شود، به این قرار است:

۱. اسلام، دین آینده جهان است. آینده تاریخ به سود مؤمنان و همراه با شکست سلطه کافران خواهد بود. ﴿وَعَدَ اللَّهُ ... لِيُمْكِنَ لَهُمْ دِينَهُمْ﴾

۲. به محرومان مؤمن امید دهید تا فشار و سختی‌ها آن‌ها را مأیوس نکند. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾

۳. کلید و رمز لیاقت برای ایجاد حکومت جهانی حق، تنها ایمان و عمل صالح است. به کسانی که اهل ایمان و عمل باشند، وعده پیروزی داده شده است، نه آنان که تنها اهل ایمان باشند. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

۴. دین از سیاست جدا نیست؛ بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است. ﴿لِيَسْتَخْلَفَنَّهُمْ ... يَعْبُدُونَنِي﴾

۵. در تبلیغ و ارشاد مردم، بیان نمونه‌هایی از تاریخ برای باورپذیری مطالب، مفید خواهد بود. ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾

۶. پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. ﴿کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾
۷. هدف از پیروزی و حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی و تحقق توحید و امنیت کامل بر زمین است. ﴿لِيُمْكِّنَ لَهُمْ دِينَهُمْ.. لِيُبدِّلَهُمْ... لَا يَشْرُكُونَ﴾
۸. دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم. ﴿وَعَدَاللَّهِ... لِيُمْكِّنَ لَهُمْ... لِيُبدِّلَهُمْ﴾
۹. دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است. ﴿دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ﴾
۱۰. امنیت واقعی در سایه حکومت اسلام محقق خواهد شد. ﴿وَلِيُبدِّلَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾
۱۱. امنیت در جامعه اسلامی، شرایط مناسبی را برای عبادت فراهم می‌سازد؛ زیرا هدف نهایی وعده‌های الهی، عبادت خالصانه خداوند است. ﴿أَمِنَّا يَعْبدُونَنِي﴾
۱۲. عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ‌گونه شرکی در آن نباشد. ﴿يَعْبدُونَنِي لَا يَشْرُكُونَ﴾
۱۳. در حکومت صالحان نیز گروهی انحراف خواهند داشت. ﴿وَمِنْ كَفَرٍ بَعْدَ ذَلِكَ﴾
- قرآن، بارها حکومت جهانی صالحان را وعده داده است؛ از جمله در سه آیه آمده است: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾؛ «اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد».^۱ در جای دیگری می‌خوانیم: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛^۲ «بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد» و در جای دیگری از قرآن کریم آمده است: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ﴾،^۳ «وَالْعَاقِبَةُ

۱. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. سوره طه، آیه ۱۳۲.

للمتقين^۱.

قرطبی در تفسیر خود، درباره پیروزی کامل اسلام چند حدیث نقل می‌کند و می‌گوید: «در آن زمان بر روی زمین خانه‌ای نخواهد بود، مگر آن‌که اسلام در آن وارد خواهد شد».^۲

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ در آخرین سفر حج خود و در مسیر برگشت از مکه، به فرمان خداوند در منطقه غدیر خم، حضرت علی (ع) را جانشین خود اعلام کرد، این آیه نازل شد: ﴿رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۳؛ «امروز من اسلام را برای شما پسندیدم». در این آیه نیز وعده خداوند، پیروزی آن دینی است که برای مؤمنان پسندید: ﴿دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ﴾.^۴

دعاکننده بعد از درخواست ظهور، حکومت طولانی امام عصر (ع) را تقاضا می‌کند. با توجه به این‌که این دعای شریف از ناحیه امامان معصوم (ع) صادر شده و در طول تاریخ، انسان‌های مؤمن و متقی، بارها و بارها آن را زمزمه کرده‌اند و تنها خواسته‌شان استجابت این دعا بوده و پروردگار متعال هم دعاها را استجابت می‌فرماید، قطعاً حکومتی که ایشان تشکیل می‌دهد، طولانی است و تا پایان عمر زمین به طول می‌انجامد.

در منابع اهل سنت، روایاتی وارد شده که مدت حکومت آن حضرت را کوتاه بیان

۱. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۲. تفسیر قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۷، ص ۴۶۹۲.

۳. سوره مائده، آیه ۳.

۴. سوره نور، آیه ۵.

می‌کنند؛ اما این روایات پذیرفتنی نیستند.^۱ اگر در منابع شیعه نیز احادیث مختلفی دیده می‌شود، اشاره به دوران‌های حکومت است؛ یعنی از زمان ظهور تا استقرار حکومت، هفت سال به طول خواهد کشید، دوران تکامل دولت آن حضرت، چهل سال، و دوران نهایی‌اش بیش از سی صد سال خواهد بود.

بسیار روشن است که دورانی بسیار کوتاه، به این مقدمه طولانی احتیاج ندارد. بشر در طول سال‌های متمادی، رنج و سختی را تحمل کرده تا حقیقت ناب را در سال‌های طولانی به نظاره بنشینند.^۲

در برخی از محافل و مجالس، در پایان این دعا، عبارت «برحمتک یا ارحم الراحمین» گفته می‌شود که شایسته است به دعا افزوده نشود؛ زیرا در هیچ‌یک از منابع دعا، این جمله ذکر نشده است. بنابراین اگر این جمله به قصد جزئیت به دعا اضافه شود،

۱. مدت حکومت آن حضرت در فتوحات مکیه (ج ۳، ص ۳۱) چهل روز، و در ینابیع الموده (ص ۳۳۱) هفت سال بیان شده است. البته در متون شیعی هم روایاتی وجود دارد که مدت حکومت مهدوی را هفت سال اعلام کرده‌اند، اما مراد آن روایات، سال‌های عادی نیست؛ بلکه فلک در گردش خود چنان کند می‌شود که هر سال آن، ده سال به طول می‌انجامد. (ارشاد مفید، ص ۳۴۵) امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «یملک القائم سبع سنین تکون سبعین سنة من سنیکم هذه؛ حضرت قائم علیه السلام هفت سال حکومت می‌کند که برابر است با هفتاد سال از سال‌های شما». (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶)

۲. رک: بامداد بشریت، ص ۱۱۰؛ یک‌صد پرسش و پاسخ پیرامون اموال امام زمان، ص ۲۱۷ و حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص ۲۸۱. شیخ جلیل حسن بن سلیمان حلی در شرح این فراز می‌نویسد: «هذا یكون علی ما رویناه فی رجعتہ علیہ السلام؛ این بخش، همان‌طور که روایت شده، مربوط به رجعت امام زمان علیه السلام بعد از وفاتشان است». مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۴؛ اما این سخن، مخالف ظاهر دعاست. از ظاهر دعا چنین برمی‌آید که امام بعد از ظهور سال‌های زیادی حکومت می‌کند. چنان‌چه دست از ظاهر هم بر نداریم، محظوری لازم نمی‌آید تا محتاج تأویل و تفسیر یا توجیه باشیم.

اشکال دارد؛ ولی اگر مطلق دعا مدنظر باشد، اشکال ندارد. با این حال، از آنجایی که این گونه قصدها برای عموم واضح نیست، مناسب است که این عبارت گفته نشود.

فوائد قرائت دعای سلامتی

همه در برابر امام زمان علیه السلام مسئول هستند و نسبت به ایشان وظایفی دارند.^۱ یکی از آن وظایف، انجام دادن اعمالی است که موجب تن‌درستی ایشان می‌شود؛ مانند صدقه دادن و دعا کردن.

حتی اگر کسی برای سلامت امام زمان علیه السلام صدقه ندهد و دعا هم نکند، پروردگار متعال، وجود گرامی ایشان را از گزند حوادث و بلاها محفوظ می‌دارد؛ اما نکته آن است که این‌گونه اعمال، قبل از آن‌که آثاری برای امام داشته باشد، فوائد و نتایجی برای عامل به همراه دارد.^۲ مانند نماز خواندن که اگر همه انسان‌ها کافر شوند و نماز نخوانند، ذره‌ای

۱. مرحوم آیت‌الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی در *مکیال المکارم* (ج ۲، صص ۱۸۱ - ۵۶۸) هشتاد وظیفه را بیان کرده‌اند.

۲. در جلد اول کتاب *مکیال المکارم*، بیش از یک‌صد فایده برای دعا در حق امام مهدی علیه السلام ذکر شده، که مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از:

الف) دعا برای ایشان، نشانه علاقه و محبت است و ازدیاد محبت امام در دل، موجب تقویت ایمان می‌گردد؛

ب) دعا تجدید عهد و پیمان با حضرت است؛

ج) دعا سبب زنده نگه‌داشتن یاد امام در دل است؛

د) کسی که به سلامتی امام زمان علیه السلام اهمیت بدهد، مسلماً آزدن حضرت نیز برایش سخت است. در نتیجه دعا برای سلامتی حضرت، انسان را به انجام دادن اعمالی وامی‌دارد که موجب خشنودی پروردگار 

از عظمت پروردگار کم نمی‌شود و خداوند متعال نیز محتاج عبادات بندگان نیست: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾؛^۱ «اگر شما و هر که روی زمین است همگی کافر شوید، بی‌گمان خداوند بی‌نیاز ستوده است».

انسان براساس وظیفه و احتیاج به عنایت پروردگار، عبادت می‌کند و نماز می‌خواند. بنابراین، کسی که نماز می‌خواند و شکر نعمت پروردگار را انجام می‌دهد، فوائد زیادی را نصیب خود می‌کند؛ زیرا: ﴿لَنْ شُكْرُكُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَنْ كَفْرُكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾؛^۲ «اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، بر نعمت شما خواهم افزود، و اگر ناسپاسی کنید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود».

از نتایج دعا برای امام زمان (عج) جلب توجه و عنایت خاص ایشان است. بنا بر آیه شریفه ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾^۳ و آیه ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾،^۴ امام مهدی (عج) علاوه بر بذل عنایات فراوان به فرد دعاکننده، در حق او دعا هم می‌کند.

بحث فوائد دعا به معنای این نیست که امام مهدی (عج) برای رسیدن به کمالات و

➔ متعال و آن امام می‌شود؛

ه) دعا مسأله‌ای مهم و مؤثر است و موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می‌شود.

۱. سوره ابراهیم، آیه ۸.

۲. همان، آیه ۷.

۳. «مگر پاداش احسان، جز احسان است؟» سوره الرحمن، آیه ۶۰.

۴. «و چون به شما درود گفته شد، شما به بهتر از آن، درود گویند، یا همان را [در پاسخ] برگردانید».

سوره نساء، آیه ۸۶.

سلامتی، به ما نیاز دارد. او تنها نیازمند به خداست و خداوند متعال نیز اگر بخواهد، لطف نموده و دعای ما را مقدمه و زمینه برای سلامتی آن حضرت قرار می‌دهد.

ما معتقدیم که همه خوبی‌ها و خیرها به واسطه ایشان به ما می‌رسد و حتی دعا‌های ما هم به برکت ایشان مستجاب می‌شود؛ لذا مفید بودن دعا‌های ما منافاتی با وساطت فیض از سوی ایشان ندارد.

اگر گفته می‌شود که دعای ما برای آن حضرت فایده دارد، منظور، آن فایده‌ای که در مورد دیگران مطرح می‌شود، نیست؛ چراکه حجت الهی هیچ نیازی به ما ندارد. با این مقدمه، فوائد قرائت این دعا را در دو بخش عرضه می‌کنیم:

الف) فوائد دعا برای امام زمان علیه السلام

۱. رفع بلا

ائمہ علیهم السلام بشر هستند؛ لذا سختی، گرفتاری و بلا متوجه آن‌ها نیز خواهد بود. مثلاً در تاریخ آمده است که امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ خیبر مبتلا به چشم‌درد شدیدی شده بودند یا در زندگانی برخی از اهل بیت علیهم السلام نوشته شده که طبیب برای رفع بیماری و معالجه نمودن آنان، به محضرشان رسیده است یا این‌که ائمه علیهم السلام برای رفع بیماری خود دعا کرده‌اند.

به طور کلی امامان علیهم السلام به مقتضای بشر بودنشان، ناراحتی و رنج و غصه‌های فراوانی را متحمل می‌شدند و برای رفع آن، به علل مادی و معنوی توسل پیدا می‌کردند. چنان‌که یک‌بار حضرت صادق علیه السلام بیمار شدند و از کسی خواستند که به حرم امام حسین علیه السلام برود و برای رفع بیماری ایشان در آن مکان مقدس دعا کند. آن شخص از امام می‌پرسد: «همان‌طور که امام حسین علیه السلام امام مفترض الطاعة هستند، شما نیز امام واجب الطاعة

است. پس چرا باید در حرم امام حسین (علیه السلام) دعا کرد؟» از توضیحی که امام صادق (علیه السلام) به آن شخص دادند، معلوم می‌شود که ایشان دعای یک فرد عادی زیر قبّه سیدالشهداء (علیه السلام) را برای رفع بیماری خود، مؤثر می‌دانستند.^۱

بنابر این روایت، دعا کردن برای امام مهدی (علیه السلام) معنا و مفهوم می‌یابد و ما می‌توانیم برای رفع بلاها و جلب عنایات ایشان، برای سلامتی حضرتش دعا کنیم. البته خوب می‌دانیم که آنچه همه دردها و رنج‌های امامان را یک‌جا برطرف می‌کند، چیزی جز مؤدّه ظهور از جانب خداوند نیست؛ پس بهترین دعایی که می‌توانیم برای رفع همه گرفتاری‌های آن حضرت بکنیم، دعا برای تعجیل در فرج آن بزرگوار است. لذا در صدر همه دعاها و بیش از همه آن‌ها، برای تعجیل در فرج ایشان دعا می‌کنیم و می‌دانیم که اگر این دعا مستجاب شود، خواسته‌های دیگر هم ضمن آن محقق می‌گردد.

۲. نزول برکات و عنایات الهی بر آن امام

یکی دیگر از فوائد دعا برای امام عصر (علیه السلام)، اختصاص عنایات پروردگار به ایشان است. رحمت الهی بسیار گسترده و بی‌کران است و امام مهدی (علیه السلام) هم محدودیتی برای پذیرش این عنایات ندارد. صلوات بر پیامبر و آل او (علیهم السلام) نیز در همین راستا مفهوم می‌یابد. حتی مستحب است که در تشهد برای بالا رفتن درجه پیامبر (صلی الله علیه و آله) دعا کنیم.^۲

۱. «ان الله تعالى بقاعاً يستجاب فيها الدعاء فتلك البقعة من تلك البقاع؛ خداوند متعال مکان‌هایی دارد که دعا در آن‌جا مستجاب است و حرم امام حسین (علیه السلام) یکی از آن مکان‌هاست». وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۲۱، ح ۲.

۲. گفتن ذکر «و تقبل شفاعته و ارفع درجته» بعد از صلوات تشهد مستحب است. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۹۱.

هر کس حتی غیرمسلمان نیز برای پیامبر ﷺ دعا کند، برای ایشان فایده دارد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

لا تستحقروا دعوة احد، فانه يستجاب لليهودي فيكم، و لا يستجاب له في نفسه؛^۱ دعای هیچ فردی را کوچک نشمارید. به درستی که دعای یهودی در حق شما مستجاب می شود؛ اگرچه در حق خودش مستجاب نمی گردد.

لذا اگر ما گنه کار هم باشیم، باز دعای ما اثر دارد. اگر اثر نداشت، خداوند متعال نمی فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾.^۲ خدا و فرشتگان بر پیامبر ﷺ صلوات می فرستند؛ تو چرا صلوات نمی فرستی؟! تو هم صلوات بفرست. اگر فایده ای نداشت، خدا در قرآن به ما نمی فرمود که صلوات بفرستید.

حضرت مهدی (عج) به ما گفته است که برای من دعا کنید. دعای کسی در مرتبه پایین، در حق فردی بالاتر از خودش اثر می کند. امام حسین (علیه السلام) به زینب کبری (علیها السلام) فرمود: «به من دعا کن».

دعا یک نوع تشکر است. ما وقتی برای آن حضرت دعا می کنیم، در حقیقت می خواهیم به ایشان بگوییم که دوستشان داریم.

۳. تعجیل فرج

با ظهور امام مهدی (عج) و گشایش در همه امور، غم و غصه ایشان نیز پایان می پذیرد.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴.

۲. سوره احزاب، آیه ۵۶.

لذا در اواخر دعای سلامتی، برای ظهور و فرج ایشان نیز دعا می‌شود.

ناگفته پیداست که ما انسان‌ها می‌توانیم در تقدیم یا تأخیر ظهورِ حضرتش مؤثر باشیم.

صریح‌ترین دلیل در این خصوص، حدیث امام صادق علیه السلام است:

فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ضَجُّوا وَبَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَهَارُونَ أَنْ يُخَلِّصَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَمِائَةً سَنَةً؛ وقتی مدت عذاب بر بنی‌اسرائیل طولانی شد، چهل صباح به پیشگاه الهی ضجه زدند و گریه کردند تا این‌که خداوند به موسی و هارون علیه السلام وحی فرمود که آن‌ها را از شرِّ فرعون خلاص می‌کند. به این ترتیب صد و هفتاد سال از عذاب ایشان کم کرد.

امام صادق علیه السلام پس از نقل این ماجرا اضافه فرمودند:

هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ؛^۱ وضع شما نیز همین‌طور است. اگر چنین کنید، خداوند فرج ما را می‌رساند؛ اما اگر چنین نباشید، کار به آخرین حدِّ خود خواهد رسید.

(ب) فوائد دعا برای دعاکننده

۱. کسب معرفت

در سایه دعا، شناخت بیشتر خداوند متعال، امکان‌پذیر خواهد بود. وقتی از خداوند چیزی درخواست می‌کنیم، بر معرفت ما نسبت به او افزوده می‌شود. هنگامی که برای امام مهدی علیه السلام نیز چیزی می‌خواهیم، معرفت ما نسبت به ایشان ازدیاد پیدا می‌کند. زیرا می‌شود که امام را شناخت و برای اودعا کرد؟! قطعاً این‌گونه دعاها در عمق بخشیدن به معرفت تأثیرگذار است.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۴۹.

۲. آرامش روانی

یکی از بهترین راه‌های از بین بردن اضطراب و به دست آوردن آرامش، دعا و راز و نیاز با خداست؛ چراکه دعا برقراری ارتباط بنده با خداست، خدایی که بر هر کاری تواناست.

این ارتباط، انسان را امیدوار و به قدرتی برتر، دل‌گرم می‌کند. ضمن آن‌که دعا برای امام، مایه آرامش انسان هم می‌شود؛ زیرا وقتی ما به فکر او باشیم، او نیز به یاد ماست و این مسأله در بهداشت روان ما مؤثر خواهد بود.

۳. از بین بردن خودخواهی

می‌دانیم که برای استجابت دعا بهتر است که انسان اول برای دیگران دعا کند، سپس برای خود. چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وقتی کسی از شما دعا می‌کند، آن را عمومیت دهد و برای دیگران هم دعا کند؛ چرا که باعث استجابت دعاست».^۱ هم‌چنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس چهل مؤمن را قبل از خود دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود».^۲

طلب خیر و سلامتی برای دیگران، در واقع، مبارزه درونی با انحصارطلبی و خودخواهی نفس است. اگر خود و خواسته‌هایمان را فراموش کنیم و امام را بر همه خواسته‌های خود مقدم نماییم، معلوم می‌شود که از خودخواهی فاصله گرفته‌ایم.

۱. همان، ص ۴۸۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۰۹.

۴. نجات از دوزخ

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

در قیامت امر می‌شود که عده‌ای را به جهنم ببرند، اما خداوند به مالک جهنم سفارش می‌فرماید: به آتش بگو پاهایشان را نسوزاند، چون که با آن به مساجد می‌رفتند؛ صورتشان را نسوزاند، چون وضو می‌گرفتند و دست‌هایشان را نسوزاند، چون آن‌ها را هنگام دعا بالا می‌گرفتند...^۱

شما خود قضاوت کنید؛ اگر کسی مهر امام را در دل داشته باشد، زبانش دعاگوی آن حضرت باشد و دست‌های نیازمندی را برای دعا در حق ایشان، نزد خدا بالا ببرد، آیا خداوند متعال با لطف و کرم بیش‌تری با او برخورد نمی‌کند؟!

۵. افزایش میل به فعالیت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دعای چهار نفر اجابت نمی‌شود. یکی از آن‌ها کسی است که در خانه بنشیند و از خدا روزی طلب کند...»^۲. کسی که واقعاً چیزی را از خدا طلب می‌کند، باید حداقل شرایط اجابت آن را فراهم کند. یکی از آن شرایط، انجام فعالیت در راستای تحقق هدف همراه با دعاست.

انسان منتظری که در بهترین حالات خود، یاد امام را در دل و جان شکوفا می‌کند و برای برترین مخلوق این عصر، بهترین خواسته‌ها را از خداوند مسئلت می‌کند، در میدان عمل و برای تحقق خواسته‌های خود چگونه باید باشد؟ آیا خواستن بدون اقدام، توجیه-

۱. عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۱۱.

پذیر است؟^۱ حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الداعی بلا عمل کالرامی بلاوتر»^۲ دعاکننده بدون عمل، به تیرانداز بدون زه می ماند».

در روایت زیبایی، همین مسأله بعد از انتظار فرج ذکر شده است.^۳ امام صادق علیه السلام فرموده اند: «و أفضل عمل المرء انتظاره فرج الله و الداعی بلاعمل کالرامی بلاوتر».

اگر کسی انتظار گشایش از سوی خدا دارد، قلب و تمام اعضا و جوارح او نیز باید با زبانش هم راه شوند. اگر کسی به همسر و همکار خود ظلم کند، اما در دل شب بارها از خداوند متعال بخواهد که ظلم را از او دفع فرماید و ظالم را بر او مسلط نکند، هرگز خواسته اش پذیرای درگاه الهی نخواهد بود؛ زیرا او با عملش می گوید که ظلم خوب است. به عبارت دیگر، عمل نوعی دعاست؛ اگر کسی خیرخواه دیگران است، با زبان بی زبانی از خداوند متعال می خواهد که به او خیر برساند.

بنابراین کسی که برای امام مهدی علیه السلام دعای سلامتی می خواند، باید برای تحقق خواسته خود کوشا باشد و از اعمالی که سلامتی را برای امام زمان علیه السلام به ارمغان می آورد - مانند صدقه دادن - غفلت نورزد.

صاحب مکیال المکارم وظیفه بیست و سوم و بیست و چهارم منتظر را به همین مسأله اختصاص داده و گفته است: «صدقه دادن به نیابت از آن حضرت و به قصد سلامتی

۱. خواستن بهشت بدون عمل نیز حماقت است: «طلب الجنة بلا عمل حمق... طلب المراتب و الدرجات بلا عمل جهل». عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۱۸.

۲. نهج البلاغه، ح ۳۳۷. این روایت از امام صادق علیه السلام هم نقل شده است. رک: وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۴۵، ح ۸۹۶۵.

۳. تحف العقول، ص ۲۲۱ و بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۶۰ و ۲۰۸.

ایشان، از وظایف منتظران است»^۱.

۶. محبوبیت نزد خدا

انجام هر عبادتی، انسان را محبوب درگاه حق تعالی می‌کند و دعا یکی از آن عبادات و بلکه افضل آنهاست.

کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم باشد، مسلماً آزدن آن حضرت برایش سخت است. در نتیجه، دعا کردن برای سلامتی آن حضرت، انسان را به انجام کارهایی و می‌دارد که موجب خشنودی آن حضرت و در نتیجه، سبب رسیدن به مقام رضوان الهی است.

خداوند در قرآن کریم، از حضرت ابراهیم علیه السلام به خاطر دعاکردنش تعریف و تمجید کرده و فرموده است: ﴿ان ابراهیم لحلیم اوّاه منیب﴾^۲. امام باقر علیه السلام در بیان تفسیر این آیه می‌فرمایند: «اوّاه کسی است که بسیار دعا می‌کند»^۳.

در دستور قرائت این دعا نیز آمده است: «متی حضرک من دهرک». از این رو، مناسب است که آن را زیاد بخوانیم.

۷. توجه به اصلاح جامعه

دین اسلام، همه ابعاد زندگی اجتماعی و فردی انسان را مورد توجه قرار داده، و همه افراد را نسبت به یک‌دیگر و جامعه، مسئول دانسته است. این مسئولیت در قالب تکلیف به امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یکی از فروع دین، واجب شده است و یکی از

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰۱ و ۳۰۹.

۲. سوره هود، آیه ۷۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۹.

شرایط استجابت دعا به شمار می‌آید.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر کنید تا خداوند دعایتان را مستجاب کند».^۱ ایشان هم‌چنین در وصیت خود به فرزندان‌شان فرموده‌اند: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. مبدا خداوند اشرار امت را بر شما مسلط کند و سپس هرچه دعا کنید، اجابت نشود».^۲

۸. معنوی شدن جامعه

از آثار مهم دعا، معنوی شدن جامعه اسلامی است. جامعه‌ای که راز و نیاز و درخواست از خدا در آن متبلور باشد، قطعاً جامعه‌ای است که معنویت در آن موج می‌زند و این برای ساخت فضای ظهور، بسیار مناسب خواهد بود.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۶۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

شرایط استجابت دعا

دعاکننده باید ابتدا خویش را به درجه اجابت دعا برساند، سپس دعا کند. آماده کردن شرایط دعا، خود، موجب آماده شدن شرایط ظهور می‌گردد. برخی از این شرایط عبارت‌اند از:

۱. بندگی خدا

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾؛ «و هرگاه بندگانم از تو درباره من بپرسند [که نزدیکم یا دور؟ بگو:] بی‌گمان من نزدیکم و دعای دعاکننده را وقتی مرا بخواند اجابت می‌کنم. پس باید مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند؛ باشد که به رشد خود برسند».^۱

بنابراین برای استجابت دعا، اول باید بنده خدا شد. بنده خدا شدن، یعنی آن‌که انسان کاملاً مطیع خدا شود و تمام کار و عملش در جهت جلب رضای او باشد. این نیت، به تمام کارهای انسان جهت‌دهی می‌دهد و تحصیل، تدریس، پزشکی، مهندسی، صنعت و... همه در مسیر الهی قرار می‌گیرد و جامعه، جامعه‌ای الهی می‌شود.

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۲. اقتصاد حلال

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

خدای عظیم به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد: من شش چیز را در شش چیز قرار دادم، اما مردم در جاهای دیگر به دنبال آن می‌گردند. یکی از آن‌ها این است که من استجابت دعا را در روزی حلال قرار داده‌ام، اما مردم در سروصدا و گریه دنبالش می‌روند و به آن نمی‌رسند.^۱

کسب روزی حلال، خود، مقدمه اصلاحات گسترده‌ای در زمینه‌های اقتصادی و غیراقتصادی خواهد شد. گران‌فروشی، کم‌فروشی، ربا و... به فراموشی سپرده می‌شود و انسان برای کسب لقمه حلال سعی خواهد کرد که کار و فعالیت خود را از غش خالی کند و در برابر حقوقی که از بیت‌المال می‌گیرد، کار خود را به نحو احسن انجام دهد. با این کار، همه افراد، هم اصلاحات اقتصادی انجام می‌دهند و هم کار خود را به سوی اصلاح پیش می‌برند.

منشأ بسیاری از مفاسد و گناهان در جامعه، اقتصاد است. علت اصلی وجود ربا، کلاهبرداری‌های آن‌چنانی، اختلاس، رشوه و دیگر مفاسدی که چهره جامعه را سیاه کرده، مسائل اقتصادی است. وقتی انسان بداند که این روش‌های ناسالم، تأثیری منفی بر معنویات او دارد و تصمیم بر ترک آن بگیرد تا لقمه حلالی به دست آورد، ریشه اصلی این مفاسد را قطع خواهد کرد.

۳. ترک گناه

دعای انسان گنه‌کار مستجاب نمی‌شود. حضرت موسی علیه السلام از راهی می‌گذشت. مردی

۱. «أَتَى وَضَعْتُ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ فِي لُقْمَةِ الْحَلَالِ وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي الْقَبِيلِ وَ الْقَالِ». مستدرک الوسائل،

در حال سجده بود و دعا می‌کرد. حضرت رفت و برگشت و دید که آن فرد هنوز در حال سجده است و دعا می‌کند. عرض کرد: «خدایا! اگر من بودم، دعایش را مستجاب می‌کردم!» وحی آمد: «ای موسی! اگر او تا آخر عمر هم در سجده باشد، دعایش را مستجاب نمی‌کنم؛ چون اهل گناه است».

لذا انسان برای استجاب دعایش، چاره‌ای جز ترک گناه ندارد و این مسأله باعث می‌شود که دامنه فساد، ظلم و گناه از جامعه برچیده شود و جامعه‌ای سالم به‌وجود آید.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

«فهرست منابع»

- نهج البلاغه، سيد رضى، بيروت، دارالاسوة، ١٤١٥ق.
- صحيفه سجاديّه، ترجمه سيد صدرالدين بلاغى، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٩ش.
- مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى، قم، روح، ١٤٢٨ق.
١. ابن طاووس، على بن موسى، *اقبال الاعمال*، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ١٤٢٦ق.
 ٢. ———، *جمال الاسبوع*، قم، انتشارات رضى، بى تا.
 ٣. ———، *فلاح السائل*، تهران، چاپ و نشر بين الملل، اول ١٣٨٦ش.
 ٤. ———، *مصباح الزائر*، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤١٧ق.
 ٥. ———، *مهج الدعوات*، قم، انتشارات دارالذخائر، ١٤١١ق.
 ٦. ابن شهر آشوب، محمد بن على، *المناقب*، قم، ذوى القربى، دوم، ١٤٢٨ق.
 ٧. ابن عربى، محى الدين، *فتوحات مكيه*، بيروت، دارالوفاء، ١٤٢٨ق.
 ٨. ابن فارس، احمد، *معجم مقائيس اللغة*، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، ١٤٢٩ق.
 ٩. ابن مشهدى، *المزار الكبير*، قم، القيوم، ١٣٧٧ش.
 ١٠. احساى، ابن ابى جمهور، *عوالى الآلى*، تحقيق مجتبى عراقى، اول، قم،

سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.

۱۱. امینی، عبدالحسین، *الغدير في الكتاب والسنة والادب*، قم، مركز الغدير للدراسات،

۱۴۱۶ق.

۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۰ش.

۱۳. بلستانی، علامه محسن علی، *النهج السوي في معنى المولى والمولى*، ترجمه سید

مرتضی موسوی گرمارودی، بنیاد بین المللی غدیر.

۱۴. بنی هاشمی، سید محمد، *مناجات منتظران*، تهران، انتشارت منیر، دوم، ۱۳۸۹ش.

۱۵. جبران، مسعود، *الرائد*، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۳ش.

۱۶. جمعی از نویسندگان، *فصلنامه انتظار موعود*، قم، مرکز تخصصی مهدویت حوزه

علمیه قم.

۱۷. جواد، عباس، *الانوار الساطعة في شرح زيارة الجامعة*، قم، دارالحديث، ۱۳۷۸ش.

۱۸. جوادی آملی، عبدالله، *توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها در محضر آیت الله*، قم،

نشر معارف، بی تا.

۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*، تهران،

دارالکتب، ۱۴۲۹ق.

۲۰. ———، *امل الآمال في علماء جبل عامل*، دارالکتب الاسلامیه، تهران،

۱۳۶۲ش.

۲۱. ———، *وسائل الشيعة*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.

۲۲. حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ق.

۲۳. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، *تأويل الآيات الظاهرة*، قم، جامعه مدرسين،

- ۱۴۰۹ق. ۲۴. حلی، رضی الدین علی بن یوسف، *العدد القویة*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ق.
۲۵. حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر بصائر الدرجات*، نجف، مطبعة حیدریة، ۱۳۷۰ش.
۲۶. _____، *ایضاح الاشتباه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۸ش.
۲۷. خزاز قمی، محمد بن علی، *کفایة الاثر*، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
۲۸. خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث*، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۲۵ق.
۲۹. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، *ارشاد القلوب*، قم، شریف مرتضی، ۱۴۱۲ق.
۳۰. رجالی تهرانی، علیرضا، *یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)*، قم، نبوغ، ۱۳۸۵ش.
۳۱. شفیعی، حسن، *آیت بصیرت*، قم، پارسایان، ۱۳۷۶ش.
۳۲. شیخ مفید، *الارشاد*، بیروت، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ق.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، *ماه مبارک رمضان*، مکتب عالی اخلاق و تربیت، قم، انتشارات حضرت معصومه (علیها السلام)، ۱۳۸۷ش.
۳۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین، *امالی*، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۳۵. _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷ش.
۳۶. _____، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ش.
۳۷. _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۲۵ق.
۳۸. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، قم، آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.

۳۹. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، *عروة الوثقی*، قم، انتشارات مصطفوی، بی تا.
۴۰. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. _____، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ ش.
۴۳. _____، *مکارم الاخلاق*، ترجمه میرباقری، فراهانی، ۱۳۸۱ ش.
۴۴. طبسی، محمدجواد، *بامداد بشریت*، قم، جمکران، ۱۳۸۵ ش.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۴۶. _____، *غیبت*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۴۷. _____، *مصباح المتعجد*، بیروت، مؤسسه فقه شیعه، ۱۳۶۹ ش.
۴۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۴۹. عیاش سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ش.
۵۰. قرائتی، محسن، *زندگی مهدوی در سایه دعای عهد*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۹۲ ش.
۵۱. _____، *قرآن و تبلیغ*، تهران، درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۵ ش.
۵۲. قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۵۳. قرطبی، محمد بن احمد، *تفسیر الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، اول، ۱۳۶۴ ش.

۵۴. قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، قم، اسوه، ۱۳۸۴ش.
۵۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة*، بیروت، دارالاسوة، ۱۴۲۵ق.
۵۶. کراجکی، محمد بن علی، *کنزالفوائد*، بیروت، دارالاسوة، ۱۴۲۸ق.
۵۷. کفعمی، ابراهیم بن علی، *البلد الامین*، بیروت، البلاغ، ۱۴۲۸ق.
۵۸. ———، *المصباح کفعمی*، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۴۲۸ق.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۶۰. کورانی، علی و دیگران، *معجم احادیث الامام المهدي*، قم، مؤسسه معارف اسلامیة، ۱۴۲۵ق.
۶۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم والمواعظ*، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶ش.
۶۲. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، *صحیفه مهديه*، قم، حاذق، ۱۳۸۵ش.
۶۳. مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۶۴. ———، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۶۵. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴ش.
۶۶. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۴ش.
۶۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *امالی*، ترجمه عقیقی بخشایشی، قم، نوید، ۱۳۸۵ش.
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۶۹. ———، *حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)*، مدرسه امیرمؤمنان (عج)، قم،

۱۳۸۵ش.

۷۰. موسوی اصفهانی، *کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم*، یزد، موسسه مهديه،

۱۳۶۱ش.

۷۱. موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم*، قم، جمکران، ۱۳۸۵ش.

۷۲. نجاشی، احمد بن علی، *الرجال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۸ق.

۷۳. نجفی، سید بهاء الدین، *منتخب الانوار المضيئة*، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام، اول،

۱۴۲۰ق.

۷۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *غیبت نعمانی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۷۵. نوری، میرزا حسین، *نجم الثاقب*، قم، جمکران، ۱۳۸۷ش.

۷۶. _____، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷ق.

۷۷. هیثمی، نورالدین، *مجمع الزوائد*، بیروت، دارالکتب، لبنان، ۱۴۰۸ق.